

وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا

عقد مرابحه  
در بانكدارى اسلامى

نویسنده: دكتور محمد ظريف علم " ستانكزى "  
۱۲ / رمضان / ۱۴۴۳ هـ ق

۲۴ / حمل / ۱۴۰۱ هـ ش

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عقد مراتبه در بانکداری اسلامی



نویسنده: دکتر محمد ظریف علم "

مقدمه:

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وعلى آله واصحابه اجمعين:

قال الله تبارك و تعالی: ﴿ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ﴾<sup>۱</sup> او كما قال: ﴿ ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُنْتَدِينَ ﴾<sup>۲</sup> او كما قال: ﴿ وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴾<sup>۳</sup>

الله تبارك و تعالی انسان را با وصف اشرف مخلوقات بودن آن دارای یک سلسله خصوصیات فطری خلق نموده است که در تداوم زندگی بشری او در کره خاکی زمین وابستگی دارد و این فطرت باعث شده تا انسان برای حفظ، بقای خویش در زمین تداوم و زندگی نماید یکی از خصوصیات که انسان در صدد کسب آن میباشد، مال و متاع غرض تهیه لوازم زندگی برای تداوم آنست.

از نظر حقوق عندی که بنام حقوق (فطری، ذاتی، انفسی) نیز یاد میگردد، در بخش حقوق خصوصی، (حقوق عینی قسم حقوق مالی) تمایل به مال منحیث حق فطری انسان دانسته شده است که حق عینی را چنین تعریف مینمایند: حق عینی عبارت از تسلط مستقیم شخص بر ذات عین (اموال) میباشد.

بنابر خصوصیت فطری انسان مبنی بر تمایل او بر اموال در کسب آن سعی مینماید تا برای تداوم زندگی خویش، آنرا بدست آورد، البته بدست آوردن مال و متاع بطور مشروع و غیر مشروع صورت گرفته میتواند که بطور مشروع از طریق اسباب کسب ملکیت که شریعت اسلامی آنرا مشروع گردانیده باشد، انسان صاحب آن نوع مال و متاع دانسته میشود، سعی در کسب آن مشروع میباشد مانند انعقاد عقود شرعی و قانونی، میراث، وصیت، حیازت، تصاحب، شفعه که منحیث اسباب مشروع کسب ملکیت در شریعت اسلامی مجاز دانسته شده است انسان صاحب مالکیت چنین اموال و اشیاء دانسته میشود.

شریعت اسلامی برای کسب ملکیت قواعد و ضوابط گذاشته است که عدول از آن قواعد و ضوابط و بدست آوردن مالکیت بالای اموال و اشیاء از طریق غیر مشروع را ممنوع و حرام دانسته است، قاعده کلی در شریعت اسلامی به حکم خطاب الهی چنین ارشاد میفرماید:

<sup>۱</sup> - قرانکریم (آل عمران / آیه ۱۱۰)

<sup>۲</sup> - قرانکریم (النحل / آیه ۱۲۵)

<sup>۳</sup> - قرانکریم (آل عمران / آیه ۱۹۴)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ﴾<sup>٤</sup> ای کسانی که ایمان آورده اید اموال همدیگر را به ناروا مخورید. این خطاب الهی مطلق کسب ملکیت را از طریق باطل ممنوع قرار داده است که انواع کسب ملکیت باطل مانند ربا، قمار، سرقت، خیانت در امانت، فریبکاری، رشوت، اختلاس، غدر و ... شامل میگردد و بدست آوردن مال متاع از طرق متذکره را باطل و حرام دانسته و حتی این اعمال را جرم تلقی و مرتکب را مستوجب مجازات دانسته است.

الله تبارک و تعالی تمام کائنات را در خدمت معیشت و زندگی بهتر انسان خلق نموده است که چنین ارشاد میفرماید: ﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾<sup>٥</sup> و آنچه در آسمانها و زمین است تمام را مسخر شما گردانید و اینها همه از سوی اوست، در این کار نیز برای مردم که تفکر میکنند آیاتی از قدرت الهی کاملاً آشکار است.

همچنان الله تبارک و تعالی انسان را که مسخر بالای آنچه در آسمانها و زمین است مسلط گردانیده، او را منحیث اشرف مخلوقات خلیفه روی زمین گردانیده که در مورد قرآن چنین ارشاد میفرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾<sup>٦</sup> و وقتی که پروردگارت فرشتگان را فرمود که من در زمین خلیفه خواهم گماشت.

بنابر نصوص شرعی ذکر شده انسان از کسب ملکیت غیر شرعی منع شده و آنچه در زمین و آسمانها است برای تسلط و تسخیر انسان مهیا شده است و همچنان انسان خلیفه روی زمین گردانیده شده است پس انسان برای کسب تمام این موارد ضرورت به سعی و انعقاد عقود دارد.

معاملات بانکی نوع از عقود بوده که حسب ضرورت در سطح جهان از قدیم مروج میباشد شریعت اسلامی معاملات بانکی که در آن ربا، قمار، تدلیس، غرر و سایر موارد غیر شرعی موجود باشد آنرا ممنوع و نامشروع قرار داده است لیکن برخی از معاملات بانکداری را تحت عنوان بانکداری اسلامی مشروع و برای آن قواعد را وضع نموده است، فتاوی معاصر را در مورد بانکداری اسلامی بطور جمعی در کنفرانس های اسلامی صادر که توسط آن قواعد بانکداری اسلامی تأسیس و ایجاد شده است.

در معاملات و عقود بانکداری اسلامی یکی هم عقد مرابحه است که ما در صدد بحث آن هستیم که در شش مبحث این نوشته خویش را دنبال و تحریر خواهیم نمود.

## مبحث اول عمومیات

عقد مرابحه از جمله عقود است که در بانکداری اسلامی مروج است این عقد نیز مانند عقد مضاربه جدید نیست که در عصر فعلی در فقه اسلامی معروف گردیده باشد، بلکه عقد است که از قبل در فقه اسلامی وجود داشته و فعلاً در جنب سائر عقود در بانکداری اسلامی مروج است.

بخاطر معرفی بهتر بیع مرابحه در این مبحث خویش به تحریر مطالب ذیل میپردازیم:

### مطلب اول: تعریف عقد مرابحه:

مرابحه از ربح گرفته شده و در لغت به معنای فایده، افزایش، سود استعمال میگردد.

<sup>٤</sup> - قرآنکریم (نساء / ۲۹)

<sup>٥</sup> - قرآنکریم (الجاثیه / ۱۳)

<sup>٦</sup> - قرآنکریم (البقره / آیه ۳۰)

**مراجه در اصطلاح:** عبارت از بیع است به ثمن اول همراه با زیادت و فایده معین.

در بیع مراجه مشتری باید بداند که سلعه و جنس را با بیع به چند خریداری نموده و یا برای او تمام شده و چند فایده را بالای آن اضافه نموده و اخذ میدارد، مثلاً با بیع باید این را واضح سازد که موتر به یکصد هزار افغانی برای او تمام شده است و به مبلغ سی هزار افغانی آنرا بفروش میرساند یعنی تمام قیمت موتر به بیع اولی یکصد هزار افغانی و سی هزار فایده در مراجه در مجموع به یکصد و سی هزار افغانی بفروش میرساند.

قانون مدنی افغانستان در ضمن حکم ماده (۱۰۶۸) مراجه را نیز مانند تعریف فوق چنین تعریف مینماید:

**(عقد بیع بصورت مراجه، که عبارت است از فروش بمثل ثمن شراء با ربح معلوم).**

خصوصیت ذکر شده در تعریف از جمله خصوصیات اصلی و شروط بیع مراجه محسوب میگردد و اگر این شرط در بیع وجود نداشته باشد آنرا نمیتوان مراجه نامید.

**مطلب دوم: بیوع مماثل عقد مراجه:**

سائر بیوع مماثل بیع مراجه مانند بیع مساومه، بیع تولیه، بیع اشتراک، بیع وضعه میباشد که هرکدام با تفاوت بیع مراجه قرار ذیل معرفی میگردد:

#### ۱- بیع مساومه:

مساومه در لغت به معنای تراضی (رضایت هردو جانب) توافق، تسویه کردن، چانه زدن، اصرار کردن،<sup>۷</sup> استعمال میگردد، که هرکدام از معنای لغوی متذکر در این نوع بیع مصداق دارد، مانند اینکه در این نوع بیع باید رضایت و توافق هردو طرف بر مبنای رکن بیع (ایجاب و قبول) وجود داشته باشد و همچنان در این نوع بیع معنای چانه زدن نیز مصداق دارد زیرا هرطرف برای کاهش و افزایش قیمت که از جانب مشتری و با بیع صورت میگیرد در قیمت مبیعه چانه میزنند.

**از نظر اصطلاحی بیع مساومه:** عبارت است از فروش مبیعه به هر قیمت که خواسته باشد صورت گرفته میتواند، قطع نظر از قیمت که مبیعه خریداری شده است، که این نوع بیع اکثراً صورت میگیرد، مانند اینکه گفته شود این مال را بخريد بدون اینکه از رأس المال (قیمت خرید) آن ذکر نماید.

#### ۲- بیع تولیه:

تولیه در لغت به معنای شیفته گردانیدن استعمال میگردد.<sup>۸</sup>

**در اصطلاح بیع تولیه:** عبارت از بیع است که مبیعه بمثل قیمت اولی که خریداری شده بفروش میرسد بدون زیادت فایده بالای مبیعه، مانند اینکه یک عراده موتر را به صد هزار افغانی خریداری نموده، دوباره به همان صد هزار بفروش برساند.

بیع تولیه در ضمن حکم ماده (۱۰۶۸) قانون مدنی افغانستان نیز هم مانند تعریف فوق تعریف گردیده است:

**(تولیه عبارت است از فروش بمثل ثمن اول).**

#### ۳- بیع اشتراک:

اشتراک در لغت به معنای شریک شدن، شریک کردن.<sup>۹</sup>

<sup>۷</sup> - معنای مساومه / دیکشنری عربی به فارسی (vajehyab.com)

<sup>۸</sup> - معنی تولیه / لغتنامه دهخدا (vajehyab.com)

<sup>۹</sup> - معنی اشتراک / فرهنگ فارسی معین (vajehyab.com)

**در اصطلاح بیع اشتراک:** عبارت از بیع است که یک جزء و یا قسمت از مبیعه به قیمت جداگانه بفروش برسد، مانند اینکه سیت های موثر خریداری شده را به قیمت جداگانه بفروش برساند.

بیع اشتراک را قانون مدنی افغانستان در ضمن حکم ماده (۱۰۶۸) خویش نیز مانند تعریف فوق تعریف مینماید:

**(اشتراک عبارت است از فروش بعضی مبیعه به بعضی ثمن.)**

#### ۴- بیع وضعیه:

وضعیه در لغت به معنای کم کردن و کاستن استعمال میگردد.

**در اصطلاح بیع وضعیه:** عبارت از بیع است که مبیعه به همان قیمت اولی بفروش برسد، و یا کمتر از ثمن اولی مانند

اینکه موثر به همان قیمت صد هزار افغانی که خریداری شده بود دوباره به همان قیمت بفروش برسد و یا به هشتاد هزار افغانی به بیست هزار کمتر از قیمت اولی بفروش برسد.

قانون مدنی افغانستان بیع وضعیه را در ضمن حکم ماده (۱۰۶۸) قانون افغانستان مانند تعریف فوق چنین معرفی مینماید:

**(وضعیه عبارت از فروش کمتر از ثمن اول جواز دارد.)**

ذکر از بیوع فوق مماثل عقد مرابحه را بخاطری نمودیم که با کمی فرق از عقد مرابحه مجزاء میگردد، با تفاوت اینکه هرگاه در عقد ربح و نفع معین نباشد عقد مساومه است، اگر بیع به قیمت اول آن صورت گیرد بیع تولیه است، و اگر بیع یک قسمت از مبیعه بفروش برسد بیع اشتراک و اگر مبیعه با کمبود یک قسمت از مبیعه بفروش برسد بیع وضعیه است.

با تفاوت انواع بیوع فوق اگر ربح و مفاد آن بعد از نرخ تمام شد و خریداری شده معلوم شده باشد و عقد را با ربح معین مشروط به ذکر قیمت تمام شد و خریداری شده منعقد نماید عقد مرابحه نامیده میشود و همچنان تفاوت عمده و اساسی بین عقد مرابحه، تولیه، اشتراک و وضعیه اینست که در این چهار نوع عقد که مماثل و اخوات عقد مرابحه نامیده میشوند شرط است تا قیمت خریداری شده و تمام شد باید ذکر گردد و اگر عقد به ربح معین بفروش رسید عقد مرابحه و اگر به عین قیمت اولی بفروش رسید عقد تولیه و اگر یک قسمت از مبیعه به قیمت اولی بفروش رسید عقد اشتراک و اگر مبیعه به قیمت پایتزر از قیمت اولی بفروش رسید عقد وضعیه نامیده میشوند.

اگر سوالی مطرح گردد که در بیع مساومه و بیع مرابحه بدون شک که با بیع نفع مینماید پس در بیع تولیه و وضعیه نفع با بیع چی است زیرا در این نوع بیوع، با بیع عقد را با قیمت اولی و یا پایتزر منعقد مینماید.

جواب این سوال را میتوان در بازار و تجارت حل نمود، اگر تاجر، متشبث خصوصی، شرکت تجاری و یا بانک اسلامی به هدف بیع مساومه، بیع مرابحه اموال را خریداری نموده باشد و بعد براساس پلان تجاری خویش ربح خود را معین نموده بطور مثال خریداری ۲۰۰۰ بایسکل را به قیمت فی عراده بعد از محصول گمرکی و مصارف به ۱۰۰۰۰ افغانی، تمام شده باشد و در هر بایسکل مبلغ ۳۰۰۰ افغانی را با بیع مفاد تعیین نموده باشد، که قیمت تمام شد ۲۰۰۰ عراده بایسکل در مجموع ۲۰۰۰۰۰۰ افغانی میشود، ربح و فایده آن که در هر عراده بایسکل ۲۰۰۰ افغانی است در مجموع مبلغ ۶۰۰۰۰۰۰ افغانی بر آورد میشود، شخص تاجر در پلان خویش چنین پیشبینی مینماید اگر در مجموع ۶۰۰۰۰۰۰ افغانی ۵۴۰۰۰۰۰ را در بیع مرابحه در ۱۸۰۰ بایسکل بدست آورد متباقی ۲۰۰ عراده بایسکل را به قیمت تمام شد (۱۰۰۰۰) افغانی به عقد تولیه بفروش میرساند و در آن نفع نمی گیرد که مجموع قیمت ۲۰۰ عراده بایسکل به قیمت

تمام شده (۱۰۰۰۰) افغانی مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰ افغانی میشود که این نیز در حقیقت نفع برای بایع است، و یا حتی از اصل قیمت خریداری شده و تمام شد به عقد وضعیه پاینتر ۲۰۰ عراده بایسکل را بفروش برساند و یا لیلان نماید که در اکثر بازارها و مغازهها این طریقه معمول است.

به هر صورت در مثال متذکره در اول عقد را برای بیع مرابحه تاجر پلان مینماید و بعد از بدست آوردن ربح تعیین شده در پلان خویش بایسکلها و یا امتعه را به قیمت تمام شد و یا پاینتر بفروش میرساند که در هر صورت ربح کافی برای بایع در این نوع معاملات اسلامی متصور است.

در تعریف عقد مرابحه و تولیه ذکر گردیده که مشتری باید خصوصیت عقد مرابحه را آگاه باشد که عقد مرابحه و تولیه در حقیقت عقد امانت استند زیرا مشتری باید از جانب بایع بداند که مبیعه و سلعه را در بیع اولی به چی مقدار ثمن خریداری نموده است، از اینرو بیع مرابحه و تولیه از جمله عقود امانت استند، چنانچه فوقاً اشاره شده مشتری باید در عقد مرابحه و تولیه بداند که بایع مبیعه و سلعه را به چی مبلغ ثمن خریداری نموده است، بدون اینکه برای اثبات آن به بینه و سوگند مبنی بر صدق گفتار بایع در قسمت ثمن مبیعه و سلعه ضرورت باشد، از این جهت صیانت و نگهداری بایع از خیانت و تهمت که برای مسلمان واجب است خود را باید نگهدارد<sup>۱۰</sup> چنانچه در مورد الله تبارک و تعالی مسلمانان را به عدم خیانت حکم مینماید و چنین ارشاد میفرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴾<sup>۱۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده اید، با خدا و رسولش خیانت نکنید و همچنان در امانتهای خود با یکدیگر خیانت مکنید در صورتی که می دانید.

همچنان پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وسلم در مورد عدم خیانت چنین ارشاد میفرماید:

وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: (( من حمل علينا السلاح، فليس منا، ومن غشنا، فليس منا ))<sup>۱۲</sup> از ابی هریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: کسیکه بالای ما سلاح میکشد از جمله امت ما نیست و کسیکه خیانت میکند از امت ما نیست.

**وجه دلالت:** الله تبارک و تعالی و رسول اش امر به اجتناب از خیانت مینماید و حتی کسیکه خیانت میکند آنها را از جمله امت اسلامی نمیداند، بنابراین بایع بدون غش، تدلیس، قیمت اولی مبیعه را برای مشتری در عقد مرابحه باید بیان کند و همچنان اگر عیب در مبیعه و سلعه رخ داده باشد آنها نیز به مشتری باید بیان کند در غیر اینصورت در عقد مرابحه غش باعث فساد عقد میگردد که در شروط عقد مرابحه به این شرط عقد مرابحه اشاره خواهیم نمود.

## مبحث دوم مشروعیت عقد مرابحه

عقد مرابحه از جمله بیوع مشروع است که شریعت اسلام آنها را مجاز دانسته است، فقها دلیل مشروعیت عقد مرابحه را به عموم بیوع براساس حکم الله تبارک و تعالی مجاز و حلال دانسته است در مورد الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿ وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا ﴾<sup>۱۳</sup> حلال است بیع و حرام است ربا.

<sup>۱۰</sup> - بدائع الصنائع ج ۵ ص ۲۲۳

<sup>۱۱</sup> - قرانکریم (سوره انفال / ۲۷)

<sup>۱۲</sup> - رواه مسلم.

<sup>۱۳</sup> - قرانکریم (سوره بقره / ۲۷۵)

﴿لَا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضِي مِّنْكُمْ﴾<sup>۱۴</sup> لیکن کسب مال از طریق تجارت مشروع و مجاز میباشد.

**وجه دلالت:** در عقد مرابحه ربا وجود ندارد زیرا مبادله عین جنس به عین جنس بطور ربا فضل و نسیئه نیست و همچنان عقد مرابحه عبارت از بیع است که به رضایت بین عاقدین منعقد میگردد، و بیع است که به شروط معین که فقهاء آنرا شرط گذاشته اند و از ربا آنرا خالی و عاری دانسته است منعقد میگردد.

ضرورت مردم به این عقد غرض تجارت مشروع محسوس میگردد تا ربح معین را بدست آورند و این نیز به جواز شرعی عقد مرابحه میافزاید، زیرا برخی اشخاص غبی و ناهم در معاملات اند، نمیتوانند تجارت نمایند مگر اینکه اعتماد کنند به شخص خبیر که بیع اولی را به قیمت معین منعقد نموده و ربح معین را به طیب نفس او بالای ثمن عقد ایزاد نموده و عقد را با مشتری منعقد نماید.

همچنان الله تبارک و تعالی میفرماید: ﴿وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>۱۵</sup> و از فضل خدا (روزی) طلبید، و یاد خدا را بسیار کنید تا مگر رستگار و سعادتمند گردید.

**وجه دلالت:** حکم آیه فوق در مورد ابتغا (طلبیدن روزی از فضل خداوند) است که صاحب کتاب بدائع الصنائع ابتغا را به بیع مرابحه نیز اطلاق نموده است و دلیل مشروعیت عقد مرابحه را براساس حکم آیه فوق ثابت دانسته است.<sup>۱۶</sup> اجماع امت بدون انکار در تمام عصور به این است که بیع مرابحه جائز است، بنابراین اجماع امت به مشروعیت بیع مرابحه ثابت است.<sup>۱۷</sup>

در عصر فعلی داد و ستد تجاری در بازارها بطور رقابتی وجود دارد و همچنان بائع در مغازه ها، شرکت ها و بانک ها کوشش مینمایند تا برای امتعه خویش خریدار دریافت نمایند، از اینرو فروش امتعه خویش را در اشتهاارات به نشر رسانیده، قیمت خریدرای شده و تمام شد را ذکر مینماید و همچنان ربح معین را بنابر رقابت بازار نیز ذکر مینماید که در اینصورت مشتری رغبت نموده و امتعه را خریداری مینماید این نوع بیع مرابحه میباشد که با عصر معاصر با انواع از طرق فروشات معاصر در اشتهاارات صورت و منعقد میگردد، فقه اسلامی بنابر شرایط معین چنین بیع را تحت عنوان بیع مرابحه مشروعیت داده است.

## مبحث سوم ارکان و شروط عقد مرابحه

ارکان و شروط عقد مرابحه مانند سائر بیوع میباشد با ازدیاد شروط که بیع مرابحه نسبت به سائر بیوع دارد که در مطالب ذیل هرکدام از ارکان و شروط بیع مرابحه توضیح میگردد:

### مطلب اول: ارکان عقد مرابحه:

ارکان در عقد مرابحه همانا ارکان سائر عقود و بیوع است که با اختلاف دیدگاهی فقهاء کرام رضی الله عنهم وجود دارد که در عقد مضاربت از آن ذکر نموده بودیم.

<sup>۱۴</sup> - قرآنکریم (سوره النساء / ۲۹)

<sup>۱۵</sup> - قرآنکریم (سوره جمعه / ۱۰)

<sup>۱۶</sup> - بدائع الصنائع ج ۵ ص ۲۲۰

<sup>۱۷</sup> - بدائع الصنائع ج ۵ ص ۲۲۰

قانون مدنی افغانستان عقد مباحه را در بخش خاص مانند عقد مضاربه معرفی نموده است و صرف در ضمن حکم ماده (۱۰۶۸) تعریف از عقد مباحه نموده است، بنابراین براساس حکم عام ارکان عقد که در ضمن ماده (۵۰۶) قانون مدنی به ایجاب و قبول طرفین تصریح گردیده است، رکن در عقد مباحه از دیدگاه قانون مدنی افغانستان نیز به دیدگاه فقه حنفی ایجاب و قبول میباشد.

### **مطلب دوم: شرایط عقد مباحه:**

شرایط عقد مباحه هم مانند سایر بیوع دارای شرایط عمومی عقد میباشد که غرض صحت عقد مباحه باید تحقق یابد، برعلاوه شرایط عمومی عقد مانند سایر بیوع برخی از شرایط خصوصی نسبت خصوصیت عقد مباحه وجود دارد که قرار ذیل به تناسب طبیعت این عقد اشاره میگردد:

#### **(أ) معلوم بودن قیمت و تمام شد بیع اولی با ازدیاد ربح و فایده:**

در عقد مباحه شرط است که قیمت و تمام شد بیع اولی مبیعه و سلعه معلوم باشد همراه با زیادت ربح و فایده و مشتری آگاه شود از قیمت اولی مبیعه و سلعه و اگر این شرط تحقق نیابد بیع مباحه منعقد نمیگردد و بنابر جهالت قیمت اولی و ربح بیع مباحه فاسد میگردد.<sup>۱۸</sup>

#### **(ب) رأس المال از جمله اموال مثلی باشد:**

شرط است در عقد مباحه که رأس المال از جمله اموال مثلی باشد مانند اینکه در مکیلات اندازه آن معین باشد، در موزونات وزن آن معلوم باشد و در عددیات شمارش آن معلوم باشد، به این توضیح که در عقد مباحه ثمن بیع اولی باید مثلی باشد.<sup>۱۹</sup>

#### **(ج) شرط صحت عقد اولی:**

برای صحت عقد مباحه شرط است که عقد اولی صحیح باشد و اگر عقد اولی فاسد باشد، عقد مباحه صحیح نمیشود، زیرا طبیعت عقد مباحه بیع است به ثمن اول همراه با زیادت و ربح معین در بیع دومی میباشد.<sup>۲۰</sup> هر آن عقد باطل و فاسد را نمیتوان به عقد دومی بیع مباحه انجام داد، مانند اینکه بیع ربا را با انواع ربا نسئیه و ربا فضل نمیتوان به بیع دومی مباحه انجام داد زیرا بیع اولی حرام و باطل است و همچنان در صورتیکه یکی از شروط عقد تحقق نیابد عقد فاسد میگردد مانند اینکه بیع اولی از جانب صغیر و یا محجوری که از جانب محکمه در معاملات تحت حجر قرار گرفته باشد و بیع را منعقد نماید چنین بیع فاسد است زیرا شرط اهلیت عقد تحقق نیافته از اینرو بالای چنین بیع، عقد مباحه منعقد نمیگردد بسبب فاسد بودن بیع اولی.

#### **(د) عقد اولی نباید در مقابل جنس از اموال ربوی باشد:**

شرط است که عقد اولی نباید در مقابل جنس از اموال ربوی باشد، اگر مبیعه به پیمانان و یا وزن به همجنس آن فروخته شود، در اینصورت جواز ندارد که بار دوم به مباحه فروخته شود زیرا مباحه بیع ثمن اولی است با زیادت ثمن دومی و زیادت در اموال ربوی ربا است نه ربح. نه تنها که در اینمورد بیع مباحه جواز ندارد بیع مواضعه هم جواز ندارد، لیکن در این حالت بیع تولیه جائز است، زیرا بیع تولیه فروش مبیعه به ثمن اولی است بدون زیادت ثمن در بیع دومی، سبب عدم مجاز بودن در بیع مباحه و مواضعه ربا و زیادت در اموال ربوی همجنس است، در اختلاف جنس ثمن و مبیعه

<sup>۱۸</sup> - بدائع الصنائع ج ۵ ص ۲۲۰

<sup>۱۹</sup> - بدائع الصنائع ج ۵ ص ۲۲۱

<sup>۲۰</sup> - بدائع الصنائع ج ۷ ص ۳۱۹۷ ط الإمام بالقاهرة



مشکل وجود ندارد، در اینصورت بیع مرابحه جائز است مانند اینکه یک دینار را به ده درهم بفروش برساند.<sup>۲۱</sup> چنانچه در عصر فعلی پول کاغذی در بیع صرف یک دالر به هفتاد افغانی در بیع اولی بفروش برسد و در بیع دومی مرابحه با تحقق شروط که قبلاً ذکر شد منعقد شده میتواند، مانند اینکه شرکت تسعیر اسعار مبلغ معین از دالر را بخاطریکه جواز صرافی و تسعیر اسعار خارجی دارد از بانک خریداری نموده و بعداً با ذکر قیمت خریداری شده به عقد مرابحه به شخصی دیگری با ربح معین بفروش برساند که فعلاً بیشتر این نوع عقد صرف بطور مرابحه معمول است.

#### ه) شرط است که ربح نیز باید معلوم باشد:

ربح باید معلوم باشد زیرا علم به ثمن و قیمت از جمله شروط عقد بیع است از اینرو علم به ربح در بیع مرابحه شرط است،<sup>۲۲</sup> اگر ثمن در زمان عقد مرابحه مجهول باشد در اینصورت عقد مرابحه جواز ندارد، بخاطریکه در فقه معاملات قاعده عمومی است که جهالت در عقد منتهی به نزاع میشود، بخاطریکه عقد از نزاع و دعوی مصئون گردد باید ثمن ربح در زمان عقد معلوم شود.

### مبحث چهارم ظهور خیانت بایع در عقد مرابحه

قبلاً ذکر نمودیم که عقد مرابحه از جمله عقود امانت است، چنانچه در عقود امانت خیانت جائز نیست و خلل را برای عقد بوجود میآورد در عقد مرابحه نیز خیانت جائز نیست و خلل را بوجود میآورد که قرار ذیل برخی از موارد که ممکن در عقد مرابحه بسبب خیانت بوجود آید و احکام آن در فقه اسلامی چی است ذکر میگردد:

#### مطلب اول: خیانت در صفت ثمن:

در صورت که خیانت در صفت ثمن بوجود آید مانند اینکه جنس و امتعه در عقد اولی خریداری شده باشد به قرض و بعد در بیع مرابحه به همان قیمت اولی به پول نقد فروخته شود و این موضوع در جریان بیع مرابحه ذکر نگردیده باشد که در بیع اولی جنس به قرض خریداری گردیده است، و مشتری بالای آن علم پیدا نماید که جنس در بیع اولی به قرض خریداری شده است، در اینصورت مشتری اختیار دارد که مبیعه را تسلیم میشود و یا هم مبیعه را رد و عقد را فسخ مینماید.

در عقد مرابحه که بر مبنای امانت استوار است، مشتری صرف حق دارد از اطمینان و اعتماد بایع در قسمت خبر دادن امانت در ثمن عقد اولی، همچنان اگر مشتری خبر نباشد که مبیعه در بدل صلح که بایع با طرف خود نموده است میباشد در اینصورت نیز مشتری اختیار دارد که عقد را قبول میکند و یا رد مینماید.<sup>۲۳</sup>

#### مطلب دوم: ظاهر شدن خیانت در اندازه ثمن بیع اولی:

هرگاه در اندازه ثمن بیع اولی خیانت بایع ظاهر شود به اینگونه که بایع بگوید که مبیعه را به ده افغانی خریده و بربح پنج افغانی میفروشم، اما بعداً ثابت گردد که مبیعه را به نو افغانی خریداری نموده است در اینصورت فقهاء حنفی قرار ذیل اختلاف دارند:

<sup>۲۱</sup> - بدائع الصنائع ج ۵ ص ۲۲۲  
<sup>۲۲</sup> - فقه اسلامی و ادلته ج ۴ ص ۷۰۴  
<sup>۲۳</sup> - فقه اسلامی و ادلته ج ۴ ص ۷۱۱

- **بنزد امام ابوحنیفه و محمد رحمهما الله:**  
و این قول در مذهب راجح است، مشتری اختیار دارد اگر خواسته باشد مرابحه را با تمام ثمن خریداری نماید، و یا فسخ نماید.
- **بنزد امام ابویوسف رحمه الله:**  
مشتری اختیار ندارد، میتواند به اندازه خیانت که در مرابحه صورت گرفته است عوض بگیرد چنانچه در مثال فوق یک افغانی در قیمت و یک افغانی از مرابحه باید مشتری بگیرد.  
هرگاه در قیمت دومی غبن فاحش و یا فریب (تغیر) صورت گرفته باشد در اینصورت بیع مرابحه به قول مفتی به در مذهب حنفی قابل فسخ دانسته میشود.<sup>۲۴</sup>  
غبن فاحش در ضمن ماده (۵۷۱) قانون مدنی افغانستان بیشتر از ۱۵٪ نرخ بازار تعیین شده است. در صورتیکه بعد از مصارف و تمام شد قیمت اولی بایع پول اضافی را در قیمت تمام شد اولی خلاف حقیقت به مشتری بیان نموده باشد و بعد ثابت گردد که قیمت اولی کمتر از آنچه که بایع بیان داشته است میباشد در اینصورت هرگاه غبن فاحش بین قیمت اولی و قیمت دومی وجود داشته باشد باز هم مشتری میتواند عقد مرابحه را قبول و یا فسخ نماید.

### مبحث پنجم انواع عقد مرابحه و تطبیقات آن در بانکداری اسلامی

در این مطلب دو جزء ذیل دنبال میگردد (انواع عقد مرابحه و تطبیقات معاصر آن در بانکداری اسلامی):

#### مطلب اول: انواع عقد مرابحه:

عقد مرابحه در امور عادی و امور بانکداری اسلامی به دونوع (مرابحه عادی و مرابحه سفارش به خرید) تقسیم میگردد که قرار ذیل هرکدام آن معرفی میگردد:

#### اول: عقد مرابحه عادی (بسیط):

عبارت از مرابحه است که شخص و یا بانک سلعه و جنس را به قیمت معین خریداری نموده و بعد آنرا به ثمن اول همراه با زیادت ربح و فایده معین بفروش میرساند، مانند اینکه شخص در بازار و یا شرکت بنزد بایع و یا بانک مراجعه نموده و برایش عرض نماید که این سلعه را که شما به قیمت ۱۰۰۰ افغانی خریداری نموده اید من آنرا به ۱۰۰۰ افغانی از نزد شما خریداری نموده با ربح و فایده اضافه ۲۰۰ افغانی و بایع آنرا قبول نماید در اینصورت عقد مرابحه عادی منعقد میگردد، این نوع مرابحه در بیشتر از بازارها و معاملات از قبل در فقه اسلامی وجود داشته مشروع و جائز میباشد، البته تحت شروط که قبلا در ارکان و شروط عقد مرابحه ذکر از آن شد و همچنان در مثال متذکره نیز آن ارکان و شروط بیع مرابحه باید مد نظر گرفته شود.

#### دوم: عقد مرابحه سفارش به خرید (مرکب):

این نوع مرابحه که بنام مرابحه مرکب نیز یاد میگردد به این توضیح که بایع مامور به خرید امتعه و بفروش آن برای امر (مشتری) میباشد، از اینرو ماموریت او مرکب از خرید و فروش وعده شده است، برخلاف مرابحه عادی و بسیط که

<sup>۲۴</sup> - الدر المختار ورد المختار ج ۴ ص ۱۶۶

در آن بایع در اول به خرید امتعه معین از جانب مشتری مامور نمیشد و این فرق عمده و اساسی بین هردو نوع از مرابحه میباشد.

بنابراین عقد مرابحه برای سفارش خرید عبارت از بیع است که در آن بایع سلعه معین را که برای او از جانب مشتری معین سفارش شده خریداری نموده و بعد آنرا بالای مشتری به قیمت اولی با ربح معین بفروش میرساند.

در این نوع مرابحه مشتری ثمن امتعه را برای بانک و یا شرکت اسلامی نقداً تسلیم مینماید و یا هم به اقساط معین زمانی (مبلغ معین ماهانه یا سالانه بطور مساوی و یا هم بطور یکجا در زمان تعیین شده) تعهد مینماید.

بیع مرابحه سفارش به خرید اصطلاح جدید است این مصطلح برای اولین بار از جانب (دکتور سامی حمود) در رساله دکتوراش تحت عنوان (تطوير الأعمال المصرفية بما يتفق مع الشريعة الإسلامية / توسعه أعمال بانکی مطابق شریعت

اسلامی) که در پوهن خی حقوق پوهنتون قاهره بتاريخ ۱۹۷۶/۶/۳۰ م مناقشه و دفاع شده است استعمال گردید.<sup>۲۵</sup>

اگرچه بیع مرابحه سفارش به خرید اصطلاح جدید است ولیکن در این شک نیست که نزد فقهای متقدم نیز این نوع بیع مرابحه وجود داشته با تفاوت در مصطلح و وجهی تسمیه آن چنانچه محمد بن حسن شیبانی در مذهب حنفی در

کتاب (الحیل) خویش و امام مالک در کتاب (الموطأ) خویش و امام شافعی در کتاب (الأم) خویش از این نوع بیع مرابحه ذکر نموده اند.<sup>۲۶</sup>

از اینکه این اصطلاح بیع مرابحه سفارش به خرید جدید است علمای معاصر فقهی این نوع بیع مرابحه را چنین تعریف مینمایند:

**دکتور سامی حمود چنین تعریف مینماید:** مشتری از بانک میخواهد خرید سلعه و جنس مورد نیاز خویش را با مشخصات که مشتری معین کرده براساس وعده که گرفته است در خرید عملی آن سلعه و جنس به عنوان مرابحه طبق توافق که صورت گرفته و دفع ثمن آن بطور قسط وار با توجه به توانایی مشتری.<sup>۲۷</sup>

**دکتور یونس المصری چنین تعریف مینماید:** شخصی که مایل به خرید سلعه و جنس است به بانک مراجعه می کند زیرا پول کافی برای پرداخت نقدی قیمت آن را ندارد و فروشنده آن جنس را برای او به قسط نعی فروشد، به دلیل عدم

شناخت مشتری و یا ضرورت به پول نقد، در اینصورت بانک جنس را به قیمت نقد می خرد و با اقساط و ربح بالای مشتری می فروشد.<sup>۲۸</sup>

در تعاریف فوق معلوم میگردد که در بیع مرابحه سفارش به خرید سه خصوصیت ذیل مد نظر گرفته میشود:

۱- فرمایش دهنده:

۲- بانک اسلامی،

۳- بائع.

سه خصوصیت فوق بیع مرابحه به سفارش را از مرابحه ساده " بسیط " مجزاء میسازد.

<sup>۲۵</sup> - دکتور سامی حمود، مجلة مجمع الفقه الإسلامی " بیع المرابحة للأمر بالشرء"، شماره ۵ ج ۲ ص ۱۰۹۲

<sup>۲۶</sup> - دکتور بکر أبو زید، مرجع فوق " المرابحة للأمر بالشرء" شماره ۵ ج ۲ ص ۹۷۸

<sup>۲۷</sup> - دکتور حمود سامی، تطور الأعمال المصرفیه ص ۴۳۲

<sup>۲۸</sup> - المصری رفیق، مجلة مجمع الفقه الإسلامی " بیع المرابحة للأمر بالشرء"، شماره ۵ ج ۲ ص ۱۱۳۳

## مشروعیت بیع مرابحه سفارش به خرید:

علمای معاصر اسلامی در مورد بیع مرابحه سفارش به خرید اختلاف دارند و به دو فریق تقسیم گردیده اند فریقی آنرا مشروع میدانند و فریقی آنرا مشروع نمیدانند که هرکدام با دلایل شان و فتاوی معاصر مجامع اسلامی قرار ذیل شرح و مقارنه میگردند:

### أ) دیدگاهی علمای که بیع مرابحه به سفارش را مشروع میدانند:

علمای که بیع مرابحه به سفارش را مجاز و مشروع میدانند عبارت اند از:

- ۱- دکتور سامی حمود در کتاب خویش بنام (تطوير الأعمال المصرفية بما يتفق الشريعة الإسلامية)؛
  - ۲- دکتور یوسف القرضاوی در کتاب خویش بنام (بیع المرابحة للأمر بالشراء كما تجرّیه المصارف الإسلامية)؛
  - ۳- دکتور علی أحمد السالوس در بحث خویش تحت عنوان (المرابحة للأمر بالشراء نظرات في التطبيق العملي) که در مجله مجمع فقه اسلامی در شماره ۵ ج ۲ ص ۱۰۵۹ نشر گردیده است؛
  - ۴- دکتور الصدیق محمد الأمين الضریر در بحث خویش تحت عنوان (المرابحة للأمر بالشراء) که در مجله مجمع فقه اسلامی در شماره ۵ ج ۲ ص ۹۹۱ نشر گردیده است؛
  - ۵- دکتور أبراهیم فاضل الدبو در بحث خویش تحت عنوان (المرابحة للأمر بالشراء دراسة مقارنة) که در مجله مجمع فقه اسلامی در شماره ۵ ج ۲ ص ۱۰۰۳ نشر گردیده است؛
  - ۶- الشیخ محمد علی التسخیری در بحث خویش تحت عنوان (نظرية إلى عقد المرابحة للأمر بالشراء) که در مجله مجمع فقه اسلامی در شماره ۵ ج ۲ ص ۱۱۸۱ نشر گردیده است؛
  - ۷- الشیخ محمد عبده عمر در بحث خویش تحت عنوان (المرابحة في الإصطلاح الشرعي) که در مجله مجمع فقه اسلامی در شماره ۵ ج ۲ ص ۱۱۹۱ نشر گردیده است؛
  - ۸- دکتور عبدالستار أبو عدة در بحث خویش تحت عنوان (أسلوب المرابحة والجوانب الشرعية التطبيقية في المصارف الإسلامية) که در مجله مجمع فقه اسلامی در شماره ۵ ج ۲ ص ۱۲۱۱ نشر گردیده است؛
  - ۹- دکتور محمد بدوی در مقاله که در مجله (المسلم المعاصر) به نشر سپرده شده است؛
  - ۱۰- شیخ عبد الحمید السائح در کتاب (الفتاوی الشرعية ج ۱ ص ۳۰) خویش؛
  - ۱۱- دکتور عمر شایرا در کتاب خویش تحت عنوان (نحو نظام نقدي عادل).<sup>۲۹</sup>
- دلایل این فریق از اهل علم عبارت اند از:

**اول:** براساس قاعد: (الأصل في المعاملات الإباحة) اصل در معاملات اباحت و مجاز بودن است:

بنابر قاعده فوق اصل در معاملات و عقود اجازة اباحت است تا زمانی که نص صحیح الثبوت و صریح الدلالة آنرا منع و حرام نکرده باشد.<sup>۳۰</sup>

**دوم:** عموم نصوص از کتاب الله و سنت که تمام انواع بیع را حلال دانسته است و برخی از آنها را استثناء نموده با ذکر نص خاص، چنانچه دکتور یوسف قرضاوی در مورد چنین بیان میدارد:

<sup>۲۹</sup> - کتاب بیع المرابحة للأمر بالشراء ، ص ۲۸ - المكتبة الشاملة الحديثة (al-maktaba.org)

<sup>۳۰</sup> - مرجع فوق.

(در مورد حلیت بیع نص صریح در کتاب الله ذکر گردیده که رد بالای یهود بوده که آنها ربا را مثل بیع و بیع را مثل ربا میدانستند و کدام فرق بین این دو نوع قائل نبودند چنانچه در قران ذکر گردیده که میگفتند ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾<sup>۳۱</sup> که آنان گفتند بیع مثل ربا است، در حالیکه الله بیع را حلال و ربا را حرام گردانیده است.

در اینصورت حکم فوق قرآنی افاده تمام انواع بیع را مینماید، اگر این بیع عین به عین باشد مانند بیع "مقایضه" یا پول به پول باشد مانند بیع "صرف" یا پول به عین باشد مانند "سلم" و یا عین به پول باشد مانند بیع "مطلق" همچنان باکی نیست که به حال نافذ شود یا به اجل "زمان" موقوف باشد، همچنان میتوان عقد بطور مساومه باشد یا بطریق امانت که در برگیرنده بیع مباحه به زیادت قیمت اولی است و یا بیع تولیه باشد که بیع به پول اولی است و یا بیع وضعیه باشد که عبارت از بیع به کمتر از ثمن اولی باشد و یا بطریق مزایده باشد، تمام عقود ذکر شده و سائر عقود حلال و مجاز است زیرا اینها بیع اند که الله تبارک و تعالی آنها را مجاز و حلال دانسته است و از جمله آن نوع بیوع نیست که الله تبارک و تعالی و پیامبر اش صلی الله علیه وسلم آنرا به نص محکم بدون شبهه حرام نموده باشد).<sup>۳۲</sup>

**سوم:** برخی از اقوال علمای متقدم در مورد بیع مباحه سفارش به خرید که اجازه داده شده است قرار ذیل اشاره میگرد:

۱- مهمترین قول که علمای معاصر به مجاز بودن بیع مباحه به سفارش را مجاز میدانند قول امام شافعی رحمه الله در کتاب (الأم) است که چنین تصریح داشته است:

(و اگر شخص سلعه و جنس را ببیند و به شخص دیگری بگوید این را خریداری نموده و بعد من تو را در آن ربح میدهم، و شخص آن را خریده، چنین خریداری جائز است و همچنان گفتن اینکه من برای تو ربح و فایده میدهم، اختیار دارد اگر خواسته باشد قبول مینماید بیع را و اگر خواسته باشد رد نموده میتواند و همچنان هرگاه گفته شود از جانب شخص به شخص دیگری که برای من جنس به نوع و صفت معین خریداری کن و یا هر نوع جنس که خواسته باشید خریداری کنید و من برای تو در آن ربح و فایده میدهم تمام این احوال برابر و یکنوع استند، بنابراین بیع اول جائز است به آنچه که انجام داده است به اختیار خود بایع و یا وصف که به او اجازه داده شده است و اگر گفته شود این جنس را خریداری نموده و بعد من خریداری مینمایم از شما به نقد و یا قسط در اینصورت نیز بیع اول جائز است).<sup>۳۳</sup>

۲- در کتاب (الحیل) از امام محمد بن حسن الشیبانی آمده است که آیا شخص که به شخصی دیگری امر نماید تا خانه را به هزار درهم خریداری نموده و بعد آمر بگوید که آنرا از نزد مأمور به یازده صد درهم میخرد، پس مأمور خانه را بخرد، سپس بترسد که اگر آن را بخرد، ممکن آمر آن را نخرد، پس در دست مأمور بماند، حیل در آن چگونه است؟ جواب حیل: مأمور (بایع) خانه را می خرد به شرطی که سه روز در آن خیار داشته باشد و در آن تصرف کند و آمر (مشتري) میاید و میگوید: این خانه را به یازده صد درهم از نزد تو خریدم و مأمور بگوید که این جنس از تو است در اینصورت لزوم امر آمر ایجاب برای مأمور است زیرا در اینصورت مأمور برای آمر در ابتداء نگفته است که این جنس را به یازده صد درهم بالای او بفروش میروساند، که در این حالت خیار که مأمور در بیع اول تعیین نموده بود در اعاده

<sup>۳۱</sup> - قرآن کریم (سوره بقره / ۲۷۵)

<sup>۳۲</sup> - کتاب بیع المراجعة للامر بالشرء، ص ۳۰ - المكتبة الشاملة الحديثة (al-maktaba.org)

<sup>۳۳</sup> - مرجع فوق ص ۳۳

خانه ساقط می‌گردد و آنهم در صورت که امر نخواهد جنس را از مأمور خریداری نماید که به این طریقه میتوان مأمور مبیعه را به خیار شرط دوباره مسترد نماید و ضرر از نزد او دفع گردد.<sup>۳۴</sup>

۳- این قییم رحمه الله میفرماید: شخص برای شخصی دیگری بگوید که این خانه و یا این سلعه و جنس را از فلان شخص به مقدار چند و چند خریداری نموده و من برای تو در آن ربح و فایده به مقدار چند و چند میدهم، در اینصورت شخص بترسد اگر آنرا خریداری ننماید و رد آن نیز ممکن نباشد در این حال حیله آنست که باید جنس خریداری شود سه روز و یا بیشتر از آن به خیار شرط گذاشته شود و بعد برای امر گفته شود، آیا جنس را خریداری مینماید به قیمت که گفته است، اگر آنرا امر خریداری نمود درست است و اگر خریداری ننمود میتوان به خیار شرط به بائع برگرداند و اگر امر به خیار، جنس را نخریده باشد در اینصورت حیله اینست که برای بائع خیار کوتاه تر از خیار شرط مدتی را که در بیع اول شرط گذاشته تعیین کند تا بائع در صورت استرداد فرصت داشته باشد تا جنس را او نیز مسترد نماید.<sup>۳۵</sup>

۴- بنای معاملات به مرعات علل و مصالح مرسله میباشد: شریعت اسلامی معاملات و بیوع را منع ننموده است مگر اینکه بنای آن بالای ظلم باشد مانند تحریم ربا، احتکار، فریب و اینکه خوف این باشد تا عقد بطرف نزاع، دعوی و دشمنی بین مردم نه انجامد مانند تحریم قمار و غرر.

ممانعت در امور فوق تعبدی نیست بلکه معلول و مفهوم به علت و فهم است زیرا حکم حرام بودن به علت و مفهوم در صورت وجود و عدم وجود آن میچرخد، که این قاعده اصل است در باب معاملات بر خلاف باب عبادات زیرا اصل در عبادات تعبد و انطباق مکلف است با آنچه از او خواسته شده است بدون بحث از علت و مصلحت، بنابراین اصل در معاملات نظر کردن و دیدن به مصلحت است چنانچه این نظر برخی از فقهای تابعین است از اینرو اجازه داده شده است به عقد استصناع اگرچه بیع معدوم است، لیکن بخاطر ضرورت و حاجت مردم و کم بودن نزاع و دعوی مجاز دانسته شده است.<sup>۳۶</sup>

۵- جواز معامله و بیع مباحه سفارش به خرید بخاطر آسانی بالای مردم است، که شریعت اسلامی بخاطر آسانی و دفع حرج و سختی بالای مردم نازل شده است و بیشترین نصوص شرعی در اینمورد حکم مینماید<sup>۳۷</sup>:

الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾<sup>۳۸</sup> خداوند برای شما خواستار آسایش است نه سختی.

﴿يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ﴾<sup>۳۹</sup> خدا می خواهد تا بارتان را سبک گرداند.

همچنان حدیث روایت شده از رسول الله صلی الله علیه وسلم است که برای معاذ بن جبل و ابوموسی اشعری که به یمن آنها را میفرستاد توصیه نموده بود: ((يسراً ولا تعسراً وبشراً ولا تنفراً))<sup>۴۰</sup> آسانی کن و سختی مکن، بشارت بده و تنفر را ایجاد مکن.

۳۴ - أبو زيد بكر، المراجعة للأمر بالشراء، مجلة مجمع الفقه الإسلامي شماره ۵ ج ۲ ص ۹۷۸

۳۵ - إعلام الموقعين ج ۴ ص ۲۹

۳۶ - كتاب بيع المراجعة للأمر بالشراء، ص ۳۶ - المكتبة الشاملة الحديثة (al-maktaba.org)

۳۷ - كتاب بيع المراجعة للأمر بالشراء، ص ۳۶ - المكتبة الشاملة الحديثة (al-maktaba.org)

۳۸ - قرآن کریم (سوره بقره / ۱۸۵)

۳۹ - قرآن کریم (سوره النساء / ۲۷)

۴۰ - رواه البخاری.

روایت دیگر از پیامبر بزرگ اسلامی صلی الله علیه وسلم است که میفرماید: **((انما بعثتم میسرین ولم تبعثوا معسرین))**<sup>۴۱</sup> من برای شما فرستاده شده ام برای آسانی نه برای سختی.

۶- بیع مباحه به سفارش به عقد استصناع قیاس میگردد بتزید مذهب حنفی چنانچه تمام امامان مذهب حنفی بالای جواز عقد استصناع اتفاق دارند و آنرا اعتبار بیع صحیح میدهند، اگرچه عقد استصناع نیز بیع معدوم در زمان عقد است، لیکن استحساناً جائز است از جهت تعامل مردم به این عقد، از این جهت عقد مباحه مشابه عقد استصناع است زیرا در بیع مباحه نیز موعد و مبیعه تعیین شده به صفت، موجود نمیشود چنانچه در عقد استصناع چیزی تولید شده در زمان عقد موجود نمیشود.<sup>۴۲</sup>

### ب) علمای که بیع مباحه سفارش به خرید را جائز نمیدانند:

علمای معاصر که بیع مباحه به سفارش را جائز نمیدانند و آنرا عقد باطل در صورت میدانند که متعاقدین ملزم به وعده باشند این علماء عبارت اند از:

- ۱- دکتور محمد سلیمان الأشقر در کتاب خود تحت عنوان ( بیع المباحة كما تجریه المصارف الإسلامية)؛
  - ۲- دکتور بکر بن عبدالله ابو زید در بحث خود تحت عنوان ( المباحة للأمر بالشراء بیع المواعدة) که در مجله مجمع فقه اسلامی شماره ۵ ج ۲ ص ۹۶۵ نشر گردیده است.
  - ۳- دکتور رفیق المصری در بحث خویش تحت عنوان ( بیع المباحة للأمر بالشراء فی المصارف الإسلامية ) که در مجله مجمع فقه اسلامی شماره ۵ ج ۲ ص ۱۱۲۷ نشر گردیده است.
  - ۴- دکتور حسن عبدالله الامین در مقاله خویش تحت عنوان ( الاستثمار اللاربوي فی نطاق عقد المباحة ) که در مجله المسلم المعاصر نشر گردیده است.
  - ۵- الشیخ عبد الرحمن عبد الخالق در مقاله خویش تحت عنوان ( شرعية المعاملات التي تقوم بها البنوك الإسلامية المعاصرة) که در مجله الجامعة الإسلامية المدینة المنورة شماره ۵۹ سال ۱۴۰۳ هـ ق نشر گردیده است.
- دلایل این فریق از علمای معاصر که بیع مباحه سفارش به خرید را باطل میدانند قرار ذیل ذکر میگردد:
- ۱- بیع مباحه سفارش به خرید شرعاً نهی شده است زیرا از باب بیع است که بایع در زمان عقد مالک آن نیست و مبیعه نزد او نمیشود.
  - دکتور محمد الأشقر در مورد چنین بیان میدارد: ( بیع مباحه سفارش به خرید که فعلاً جاری است عقد باطل و حرام است به اسباب ذیل:
  - بانک چیزی را بالای مشتری میفروشد که هنوز مالک آن نیست " چنانچه نبی کریم صلی الله علیه وسلم نهی نموده است از بیع که هنوز در تصرف نباشد " امام شافعی رحمه الله در کتاب " الام " خویش و ابن عبد البر از علمای مالکی و ابن قدامه صاحب کتاب " المغنی " از حنابل، اشاره به علت در بطلان این نوع بیع نموده است).<sup>۴۳</sup>
  - ۲- این نوع عقد باطل است بسبب اینکه از باب بیع معلق است.
  - ۳- بیع مباحه سفارش به خرید از باب حيله قرض به ربا است و به این علت مذهب مالکی در قول ابن عبد البر در کتاب خویش تحت عنوان " الکافی " چنین اشاره نموده است: ( مطلب اینست که در بیع درهم به درهم بیشتر منتقل میشود

<sup>۴۱</sup> - رواه البخاری.

<sup>۴۲</sup> - کتاب بیع المباحة للأمر بالشراء، ص ۳۷ - المكتبة الشاملة الحديثة (al-maktaba.org)

<sup>۴۳</sup> - الأشقر محمد، بیع المباحة ص ۷- ۸ / کتاب بیع المباحة للأمر بالشراء، ص ۴۲ المكتبة الشاملة الحديثة (al-maktaba.org)

در یک مدتی بین آنها، مثال دراهم در انتقال سلعه و جنس است و وقتی که یک شخص از شخص دیگری قصد خرید سلعه و جنس را به قسط نماید و مشتری بداند که نزد او سلعه و جنس موجود نیست و بگوید برایش که از مالک سلعه و جنس به ده درهم خریداری شود و من آنرا به دوازده درهم به زمان فلان میخرم، این چنین بیع درست نیست.<sup>۴۴</sup>

۴- این نوع بیع در باب بیع عینه<sup>۴۵</sup> غیر مجاز داخل میشود، بیع عینه مشتری قصد حصول به عین " پول نقد " را دارد نه قصد و هدف سلعه و جنس را<sup>۴۶</sup>، چنانچه نبی کریم صلی الله علیه وسلم بیع عینه را نهی کرده و چنین ارشاد فرموده است: **((إذا تبايعتم بالعينة وأخذتم أذناب البقر ورضيتم بالزرع وتركتم الجهاد سلط الله عليكم ذلاً لا ينزعه حتى ترجعوا إلى دينكم))**<sup>۴۷</sup>. اگر عینه فروختید و دم گاوها را گرفتید و به زراعت اکتفا کردید و جهاد را ترک کردید، خداوند خواری را بر شما فرو میاورد تا که به دینتان برنگردید.

۵- این معامله در ضمن بیع کالیء به کالیء<sup>۴۸</sup> داخل میشود، یعنی بیع دین به دین<sup>۴۹</sup> که در حدیث نبوی منع شده است از ابن عمر رضی الله عنه روایت شده رسول الله صلی الله علیه وسلم نهی نموده است از بیع کالیء به کالیء.<sup>۵۰</sup>

۶- این معامله در ضمن دو عقد در عقد واحد شامل میشود (بیعتین فی بیعة) که رسول صلی الله علیه وسلم این نوع عقد را منع و نهی نموده است که دو بیع در یک بیع باید شامل نشود.<sup>۵۱</sup>

۷- تمام فقهای امت در مورد اباحت این نوع معامله چیزی نفرموده اند بلکه به حرام بودن آن تذکر داده اند.<sup>۵۲</sup>

۸- این نوع معامله بناء شده است به قول واجب بودن وفا به عهد در حالیکه ما به قول جمهور فقهاء که تصریح داشته اند وفا به وعده مستحب است نه واجب عمل مینمایم و این قول احناف، شافعی، حنابله، ظاهریه و برخی از مالکی ها میباشد از این جهت آنها در صورت ترک وفا به وعد قضاء نمی نمایند بلکه ترک آنرا فوت فضیلت و ارتکاب مکروه تنزیهی میدانند نه اینکه شخص تارک وفا به وعده گنهکار باشد.<sup>۵۳</sup>

### مناقشه بالای دلائل هردو فریق از علمای معاصر:

هرکدام از علمای که بیع مباحه سفارش به خرید را اجازه و یا منع نموده و آنرا عقد باطل توصیف نموده به نص صریح که قطعی الدلاله باشد استدلال نموده اند هرکدام به استنباط از برداشت که از نصوص شرعی داشته اند حکم را استخراج نموده اند که در این نوع جدل و بحث علمی تبعی است که دلائل منطقی و قوی جستجو میگردد که کدام دلائل به منطوق و استنباط از احکام نصوص شرعی نزدیکتر و موجه تر است از اینرو دلائل هردو طرف قرار ذیل مناقشه میگردد:

<sup>۴۴</sup> - کتاب بیع المراجعة للأمر بالشراء، ص ۴۲ المكتبة الشاملة الحديثة (al-maktaba.org) ص ۴۲  
<sup>۴۵</sup> - بیع عینه: عقد است که خرید جنس به صورت نسیئه " قرض " به قیمت بلند صورت میگیرد و فروش آن به پول نقد به قیمت پائین صورت میگیرد.

<sup>۴۶</sup> - کتاب بیع المراجعة للأمر بالشراء، ص ۴۲ المكتبة الشاملة الحديثة (al-maktaba.org) ص ۴۲  
<sup>۴۷</sup> - رواه أبو داود والبيهقي وأحمد، ابن القطان این حدیث را صحیح دانسته است، التلخیص الحبیر ج ۳ ص ۱۹ / همچنان شیخ البانی نیز این حدیث را صحیح دانسته است، السلسلة الصحيحة ج ۱ ص ۱۵

<sup>۴۸</sup> - بیع کالیء به کالیء یا بیع نسیئه به نسیئه این است که شخص متاعی را بخرد به ثمن مؤجل و پس از انقضای أجل از آدای آن عاجز گردد و به بایع بگوید همان مبیعه را به بیش تر از ثمن اول به من بفروش و مهلت دیگری برایم بدهید تا قیمت آن را بپردازم و بین آنان تقابض انجام نشود.

<sup>۴۹</sup> - کتاب بیع المراجعة للأمر بالشراء، ص ۴۴ المكتبة الشاملة الحديثة (al-maktaba.org)  
<sup>۵۰</sup> - رواه الدارقطني والحاكم حافظ بن حجر این حدیث را ضعیف دانسته است و حاکم آنرا صحیح دانسته است، التلخیص الحبیر ج ۳ ص ۲۶.

<sup>۵۱</sup> - کتاب بیع المراجعة للأمر بالشراء، ص ۴۴ المكتبة الشاملة الحديثة (al-maktaba.org)

<sup>۵۲</sup> - مرجع فوق ص ۴۴

<sup>۵۳</sup> - کتاب بیع المراجعة للأمر بالشراء، ص ۴۵ المكتبة الشاملة الحديثة (al-maktaba.org)



- ۱- مجیزون بیع مباحه سفارش به خرید را از جمله عقود عمومی ذکر مینمایند و در حلال و مجاز بودن آن براساس نص شرعی قرآنی که بیع حلال و ربا حرام است شامل میسازند، در حالیکه مانعون استدلال مینمایند که بیع مباحه سفارش به خرید مانند بیع معدوم است از اینرو باطل میباشد.
- در هردو دلیل فوق بر میگرددیم به اصل قاعده که در فقه اسلامی مشهور است (الأصل في الأشياء الإباحة) اصل در اشیاء اباحت و مجاز بودن آنست. براساس این استدلال اصل در عقود اباحت است تا زمانیکه حرام بودن آن ثابت نگردد، بنابراین مجیزون این نوع بیع را مانند عقد استصناع که آن عقد نیز بیع معدوم است استحساناً مجاز میدانند به دلیل ضرورت مردم به این نوع عقد.
- ۲- مجیزون استناد به اقوال فقهای متقدم مانند امام شافعی، امام محمد و امام ابن تیمیه رحمه الله اجمعین نموده اند که عین صورت های مسئله را در خصوص بیع مباحه از آنها نقل و بیان داشته اند که با بیع مباحه سفارش به خرید سازگاری دارد.
- در حالیکه مانعون نیز به اقوال علمای متقدم از جمله ابن عبدالبر از علمای مالکی در کتاب "الکافی" و امام شافعی در کتاب "الام" و ابن قدامه صاحب کتاب "المغنی" از مذهب حنبلی یاد آور گردیده اند.
- اگرچه صورت های مسئله را که مجیزون از علمای متقدم نقل نموده اند صریح و سازگار تر به بیع مباحه سفارش به خرید میباشد، لیکن صورت مسئله که مانعون از علمای متقدم نقل نموده اند چنانچه در صورت مسئله که از ابن عبدالبر رحمه الله نقل شده است سازگار با بیع مباحه به سفارش نبود از اینرو دلایل مجیزون با پیروی از علمای متقدم راجح تر است.
- ۳- مجیزون مشروعیت بیع مباحه به سفارش عقد را به علل و مصالح مرسله بناء نموده است و همچنان استدلال نموده اند بیوع که در شریعت اسلامی حرام گردیده اند به علل ظلم و بی عدالتی بوده چنانچه ربا، قمار، احتکار، فریب، تدلیس در عقود بنابر علل ظلم، دعوی و نزاع آینده حرام گردیده است در حالیکه در بیع مباحه سفارش به خرید نه ظلم است و نه هم دعوی و نزاع آینده بوجود میاید.
- در حالیکه مانعون بیع مباحه سفارش به خرید را مانند بیع عینه و بیع کالیء توصیف نموده و از همان باب بیوع ممنوعه دانسته اند.
- دلیل مانعون در مورد بیع عینه و کالیء در مماثلت با بیع مباحه سفارش به خرید صدق نمی نماید زیرا در بیع عینه جنس به قیمت بلند تر به نسیئه (قسط) صورت میگیرد و به قیمت ارزان به نقد میفروشد که در این عقد علت بدست آوردن پول نقد است و ضرر و ظلم مانند ربا موجود است، در حالیکه در بیع مباحه سفارش به خرید برعکس است، توافق بین مشتری و بانک در مورد خرید جنس صورت میگیرد و بانک جنس را به پول معین خریداری نموده، و مقدار ربح و فایده را بالای آن افزود و بالای مشتری به فروش میرساند که در این نوع عقد هردو طرف مفاد مینمایند، مشتری از اعتبار و اعتماد بانک که در بازار دارد مستفید میشود و یا پول نقد برای خرید ندارد ثمن مباحه را اقساط توافق مینماید، و بایع نیز از ربح و نفع معین که براساس آن عقد منعقد میگردد مستفید میشود.
- در بیع کالیء نیز ضرر و ظلم وجود دارد زیرا مشتری دین بایع را از رهگذر جنس که به نسیئه (قسط) خریداری نموده است نتوانسته پردازد، از بایع میخواهد تا مدت تادیه دین را برایش تمدید نموده و قیمت مبیعه را نیز افزایش دهد تا بتواند در مدت تمدید شده دین را اداء نماید.

هر دو نوع بیع (عینه و کالیه) به علت ظلم حرام گردیده اند و مصلحت نیز چنین عقد که بر ظلم استوار باشد مجاز نمیداند در حالیکه بیع مرابحه سفارش به خرید به علت عدم ظلم و مصلحت ضرورت مردم به آن مجاز میباشد.

#### - دیدگاه راجح:

با در نظر داشت بحث علمای معاصر مجیزون و مانعون بیع مرابحه سفارش به خرید که قبلاً به تفصیل ذکر و مناقشه شد دلائل مجیزون به مشروعیت عقد مرابحه سفارش به خرید راجح بوده چنانچه در مورد فتاوی مجامع اسلامی در مورد نیز به مشروعیت این نوع بیع صادر گردیده که قرار ذیل معرفی میگردد:

#### - فتاوی مجامع فقه اسلامی در مورد مجاز بودن بیع مرابحه سفارش به خرید:

در مورد فتاوی متعدد مبنی بر مشروعیت بیع مرابحه سفارش به خرید صورت گرفته است که هر کدام قرار ذیل نقل میگردد:

#### فتاوی اول

فتاوی اولین کنفرانس بانک اسلامی منعقد شده در دبی از ۲- ۲۵ / جمادی الثانیة / ۱۳۹۹ هـ ق مطابق ۲/می/ ۱۹۷۹ م

بتعداد (۵۹) علماء و متخصصین در بخش های متعدد از جمله فقها اسلامی، اقتصاد دانان و حقوقدانان جمع شده بودند که فتاوی ذیل را صادر نمودند:

مشتری از بانک می خواهد سلعه و جنس معین را با تمام مشخصات آن مشخص نموده خریداری نماید و بانک قیمتی را که خریداری نموده معین مینماید با افزودن ربح و فایده که با مشتری توافق نموده است.

#### توصیه:

این کنفرانس در نظر دارد که این تعامل شامل وعده و تعهد مشتری به بانک برای خرید در حدود و شرایط ذکر شده از جانب مشتری و از جانب دیگر وعده و تعهد از جانب بانک طبق شرایط تعیین شده غرض خریداری برای تکمیل شدن این بیع که هر دو طرف به انجام تعهد خویش ملزم میباشند قضاءً طبق مذهب مالکی و همچنان بالای هر دو طرف لازم است دیانتاً ادای تطبیق وعده و تعهد طبق سائر مذاهب، آنچه که دیانتاً لازم میگردد تبعی است که قضاءً نیز لازم میگردد، در صورت که مصلحت ایجاب کند قضاءً نیز مداخله نموده میتواند.<sup>۵۴</sup>

#### فتاوی دوم

فتاوی صادر شده از کنفرانس دوم بانک اسلامی در کویت از تاریخ ۶- ۸ / جمادی الآخر / ۱۰۳ هـ ق مطابق ۲۱- ۲۳ / مارچ / ۱۹۸۳ م

در این کنفرانس از بین علماء که اشتراک نموده بودند ده تن از علماء برای افتای مسائل و موضوعات تقدیم شده به کنفرانس تعیین گردیدند تا پیشنهادات را تقدیم کنفرانس نمایند، که از جمله یکی هم همین موضوع بیع مرابحه سفارش به خرید بوده که آیا وعد به خرید جائز است شرعاً و یا خیر؟.

کنفرانس تصمیم گرفت که تعهد به بیع مرابحه سفارش به خرید بعد از مالک شدن سلعه و جنس خریداری شده و حیازت آن از جانب بانک، سپس فروش آن به کسیکه فرمایش خریداری آن را داده است به ربح و فایده معین شده که تعهد نموده بود جائز است شرعاً، همچنان بانک اسلامی مسئولیت تلف شدن جنس را قبل از تسلیم شدن و عیب

<sup>۵۴</sup> - فتاوی شرعی در تجارت بانک ص ۱۹- ۲۰ بنک دبی الإسلامی.

مخفی دارد، لیکن در مورد لازم الاجراء بودن تعهد هردو جانب امر " مشتری" و بانک باید بسیار محافظت و نگهداشتن معامله باشند، در نظر گرفتن مصلحت عقد وجیبه هرکدام بانک و مشتری امر مشروع شرعی است و هر بانک اختیار دارد که در گرفتن تعهدات آنچه که مورد شرعی بانک لازم میبیند انجام دهند.

### فتوای سوم

کنفرانس انجمن اقتصاد اسلامی در دوره ۱۷ - ۲۰ / رمضان / ۱۴۰۳ هـ ق مطابق ۲۷ - ۳۰ / جون / ۱۹۸۳ م

فتوای انجمن اقتصاد اسلامی در مدینه منوره به تاکید و تائید فتوای سابق که در کویت دائر گردیده بود که در فتوای قبلی ذکر شد، برخی از پیشنهادات در مورد رد شبهات که در مورد بیع مرابحه سفارش به خرید بعد از فتوای قبلی وارد شده بود، دائر نمود و در مورد پاسخ به شبهات و سؤالات در مورد بیع مرابحه سفارش به خرید ذیلاً چنین پاسخ ارائه نمودند:

- ۱- این عقد شامل بیع چیزی است که به نزد بایع موجود نمیباشد؛
- ۲- در این عقد تأجیل بدلیل موجود است؛
- ۳- در این عقد بیع درهم به درهم است و بیع به تأخیر می افتد؛
- ۴- مالکی ها تعهد به وعده فروش را ممنوع قرار داده اند؛
- ۵- این عقد تلفیق غیر مجاز است.

در برابر سؤالات فوق فتوای ذیل صادر گردید بود:

**فتوی:** بیع مرابحه در فقه اسلامی معروف و جائز است به اتفاق فقها، اگر مرابحه به نقد باشد و یا هم به أجل و زمان، در اینصورت شبهه ربوی نه در بیع مرابحه مطرح است نه هم در بیع مؤجل. مرابحه سفارش به خرید را لجنه در کنفرانس، تاکید به کنفرانس دوم بانک اسلامی منعقد کشور کویت نموده به نسبت تضمین حفظ وجایب ذیل:

کنفرانس تصمیم گرفته که وعد در بیع مرابحه سفارش به خرید بعد از اینکه سلعه و جنس در ملکیت و حیازت بایع آمد سپس فروش آن به کسیکه پیشنهاد نموده به ربح و فایده وعده شده سابق این نوع عقد جائز است شرعاً مسئولیت از تلف شدن میعه قبل از تسلیمی آن و رد آن به عیب مخفی بدوش بانک میباشد.

به نسبت وعده به تعهد و وجیبه پیشنهاد کننده یا بانک و یا هردو طرف باید برای حفظ مصلحت تعامل عقد واستقرار معاملات برای بانک و مشتری گرفتن تعهد نیز امر مشروع شرعی است، هر بانک مخیر است در گرفتن تعهد به انجام و تحقق وجیبه مطابق آنچه که مورد شرعیه بانک تصمیم میگیرد اجراآت نماید.

شبهات که در مورد بیع مرابحه سفارش به خرید پیشکش گردید، رد آنها را قرار ذیل تحلیل نموده است:

- ۱- این عقد از جمله عقود نیست که جنس نزد بایع باشد، که چنین نیست زیرا عقد بیع همراه مشتری بعد از تحت تصرف آمدن و مالک شدن فعلی بایع اتمام میابد، در اینصورت این عقد مشابَهت به عقد ندارد که نزد انسان چیزی وجود نداشته باشد و عقد آنرا منعقد نماید.
- ۲- شبهه تأجیل بدلیل نیز وارد نیست، زیرا تملیک سلعه و جنس تکمیل شده میباشد در مقابل ثمن نقد و یا مؤجل.
- ۳- عوض در قرض به اساس تعامل ربوی در بین اشیاء مثلی واقع میشود، مانند اینکه شخص برای مدیون صد ریال بدهد و بعد در وقت استرداد از او یکصدو ده ریال بگیرد، لیکن در بیع مرابحه به أجل عوضین و تبادل اجناس و اشیاء مختلف

میباشند در مقابل ثمن، پس چگونه عقل قبول مینماید که تعامل به مرابحه معادل تعامل به ربا است، علیرغم اینکه تعیین ربح و مفاد در مرابحه پیشنهاد آمر برای مأمور برای خریداری به معنای مضاربت است در قیمت بازار هنگام افزایش قیمت یا هم ممکن تحقق خساره برای پیشنهاد دهند (آمر) و یا در صورت عکس آن باشد، تاثیر این نتایج در عروض ناشی از عرضه جنس است نه عرضه و تقاضای پول.

۴- منع که در مذهب مالکی است مشروط به دو شرط است که متحقق نمیگردد آن دو شرط در این حالت مرابحه و این دو شرط عبارت اند از:

(أ) اینکه مطلوب سلعه و جنس از جمله عقد عینه باشد.

(ب) اینکه طلب کننده سلعه و جنس برای نفع ثمن باشد نه به عین آن (بیع کالیء)

۵- در عقد مرابحه سفارش به خرید، تلفیق مطلق نیست، زیرا وجبیه در عقد موضوع مستقل است که در برگزیده تمام انواع عقود و معاملات میباشد و تنها به بیع مرابحه منحصر نمیشود. در بیع عینه، تحول بغرض وصول ربا است نه قصد حقیقی تبادل عوضین.

### فتوای چهارم

فتوای صادر شده از جانب شیخ عبد العزیز بن باز رئیس عمومی ادارات بحوث علمی، افتاء، دعوت و ارشاد در کشور سعودی بتاریخ ۱۶ / جمادی الآخر / ۱۴۰۲ هـ ق مطابق ۱۰ / اپریل / ۱۹۸۲ م

این فتوی در مقابل سوال که از شیخ صورت گرفته بود قرار ذیل فتوی داده است:

**سؤال:** اگر مشتری بانک اسلامی بخواهد جنس و کالای را بخرد که قیمت آن هزار ریال باشد و بانک اسلامی آن را به او نشان و توصیف نموده وعده دهد که آنرا به مدت یک سال با ربح و فایده صد ریال که قیمت کلی آن یکهزار و صد ریال میشود از بانک بخرد، سپس بانک آن جنس را از مالک آن خریداری نماید بدون اخذ تعهد مشتری بطور مکتوب، پس در مورد این معامله نظر شما چی است.

خداوند برای شما جزای خیر بدهد

شیخ عبد العزیز بن باز قرار ذیل جواب و الفتای خویش را صادر نموده است:

**جواب:** در صورتیکه موضوع به همین قسم که در سؤال طرح شده است باشد، هیچ کدام مشکلی در معامله مذکور وجود ندارد، مشروط براینکه مبیعه در ملکیت بانک اسلامی استقرار و حیازت یافته باشد، به عموم دلائل شرعی این عقد جائز است.<sup>۵۵</sup>

خداوند به همه توفیق دهد تا او را راضی کنیم

<sup>۵۵</sup> - دکتور قرضاوی، المرابحه ص ۱۱-۱۲ / دکتور الأشقر ص ۵۲ بیع المرابحه

### فتوای پنجم

فتوای مجمع بین المللی فقه الاسلامی دوره پنجم که بتاريخ ۱- ۶ / جمادی الأول / ۱۴۰۹ هـ ق / مطابق ۱۰ - ۱۵ / دسامبر / ۱۹۸۸ م در کشور کویت دایر شده بود

بعد از بحث های مقدماتی از اعضای مجمع در مورد (وفا به تعهد مرابحه سفارش به خرید) و استماع مناقشات که در این خصوص طرح شده بود قرار ذیل فتوای خویش را صادر نمودند:

**اول:** زمانیکه سلعه و جنس در بیع مرابحه سفارش به خرید در ملک مأمور (بایع) داخل و قبض آن شرعاً حاصل گردد، در اینصورت این نوع بیع جائز است، و در صورت تلف سلعه و جنس مسئولیت آن بالای مأمور قبل از تسلیمی میباشد، و همچنان در صورتیکه سلعه و جنس عیب مخفی داشته باشد از جمله موجبات رد بعد از تسلیمی سلعه و جنس دانسته میشود. تحقق شروط و رفع موانع بیع نیز باید در آن رعایت گردد.

**دوم:** وعده از جانب آمر یا مأمور بطور خصوصی صادر شده باشد و هرکدام مکلف به رعایت وعده دیانتاً میباشد مگر اینکه کدام عذر پیش بیاید، و همچنان طرفین قضاءً نیز مکلف به انجام وعده هستند، و اگر بسبب وابسته باشد نفع وعده داده شده در قیمت تمام شد باید مد نظر گرفته شود.

**سوم:** تاریخ گذاری مبنی بر تطبیق وعده که از جانب طرفین در بیع مرابحه صادر می شود به شرط اختیار از هر دو طرف به دو تاریخ و یا از جانب یکی از آنها، جایز است، زیرا تاریخ گذاشتن الزامی در بیع مرابحه مانند خود بیع است، چنانچه شرط است که بایع باید مالک مبیعه گردد، بخاطریکه رسول الله صلی الله علیه وسلم منع نموده انسان را از بیع که در نزد او نباشد.

#### - و همچنان موارد ذیل نیز توصیه میشود:

- با توجه به آنچه مشاهده شده است که اکثر بانک های اسلامی فعالیت های خود را به تامین مالی از طریق مرابحه برای سفارش دهنده خرید انجام میدهد باید موارد ذیل مد نظر گرفته شود:
- ۱- فعالیت کلیه بانکهای اسلامی در روشهای مختلف توسعه اقتصادی به ویژه ایجاد پروژه های صنعتی یا تجاری با تلاش خاص یا از طریق مشارکت، مضاربت با سایر اطراف معامله گسترش داده میشود.<sup>۵۶</sup>
  - ۲- بررسی موارد عملی تطبیق (مرابحه سفارش به خرید) در بانک های اسلامی برای ایجاد دارایی هایی که از بروز نقصان در درخواست جلوگیری می کند باید احکام عمومی و خصوصی شریعت اسلامی در بیع مرابحه سفارش به خرید رعایت و مد نظر گرفته شود.

#### - نتیجه و استنباط احکام از فتوای فوق:

- در فتوای معاصر فوق و نظریات علمای معاصر اسلامی که در کنفرانس ها و مجامع در بحث مشروعیت (بیع مرابحه سفارش به خرید) اشتراک نموده اند بوضاحت معلوم میگردد که این نوع بیع در بانکهای اسلامی مجاز و یکی از جمله معاملات بانکداری اسلامی محسوب میگردد، البته تحت شرایطی که از فتوای فوق قرار ذیل استخراج میگردد:
- ۱- قیمت تمام شد بیع اولی باید معلوم باشد و از جانب بایع به صداقت و حفظ امانت داری برای مشتری بیان گردد؛
  - ۲- هردو طرف طبق قرارداد تحریری مکلف به انجام تعهد خویش باشند؛
  - ۳- ربح و فایده بین مشتری و بانک معین شده باشد؛

<sup>۵۶</sup> - مجلة مجمع الفقه الإسلامی شماره ۵ ج ۲ ص ۱۵۹۹ - ۱۶۰۰

- ۴- مبیعه قبل از تسلیمی به مشتری در قدم اول باید در تصرف و حیات بانک قرار بگیرد، بعداً به مشتری تسلیم گردد؛
- ۵- در صورت تلف شدن مبیعه قبل از تسلیمی به مشتری مسؤلیت بانک میباشد؛
- ۶- مشتری حق دارد مبیعه را به عیب خفی به بانک مسترد نماید.

### جزء دوم: تطبیقات معاصر مباحه سفارش به خرید در بانکداری اسلامی:

بیع مباحه سفارش به خرید در بیشترین موارد اقتصادی و تجارتي عصر فعلی طبق قواعد و احکام شریعت اسلامی در بانکداری اسلامی انجام میگردد و تطبیقات معاصر آن با ربح و فایده مشروع در عرصه اقتصادی معاصر اسلامی جنبه تطبیقی و عملی دارد، حوائج مردم برای تجارت، داد و ستد مشروع و شرعی به این نوع بیع محسوس بوده. بانک اسلامی در بازار دارای اعتبار اقتصادی میباشد و اشخاص منحیت مشتری بانک، که در بازار شناخت و اعتبار ندارند و یا هم پول کافی برای خرید امتعه و جنس ندارند، نسبت ضرورت که به اجناس و کالاها دارند به بانک سفارش میدهند تا برای آنها اجناس را خریداری نموده و به ربح و فایده معین توافق شده، مشتریان از بانک آن جنس را به بیع مباحه خریداری نمایند.

تبعی است که در جوامع ضروریات مردم بیشتر میباشد و میخواهند به آن ضروریات خویش نایل آیند، اما نبود امکانات پولی باعث میگردد که به یکبارگی نسبت کمبود سرمایه نتوانند تصمیم که دارند آنرا عملی نمایند، از اینرو در بانکداری اسلامی بیع مباحه سفارش به خرید مشروع میباشد تا اشخاص از معاملات ربوی حرام (قرضه های ربوی) نجات داده شوند، و به بدیل مشروع بیع مباحه بتوانند از عقد غیر مشروع ربوی بانک های متعارف نجات یابند، این نوع معاملات مشروع اسلامی که نه تنها رفاه اقتصادی را بوجود میآورد از نظر بُعد معنوی نیز دارای برکت و رشد آن در مقابل معاملات ربوی دارای اجر و پاداش خداوندی میباشد.

بطور نمونه به چند نوع از جنبه های تطبیقی منحت مثال اشاره مینمایم البته قابل ذکر است بیع مباحه سفارش به خرید تنها به همین چند مثال که ذیلاً منحت جنبه تطبیقی اشاره میگردد منحصر نمیشود، بلکه میتوان جنبه های بیشتر طبق قواعد وضع شده احکام شریعت اسلامی با وضاحت فتاوی معاصر انجام داد.

### - جنبه های تطبیقی بیع مباحه سفارش به خرید:

در اکثر موارد زراعتی، صنعتی، تجارتي و داد ستد عادی میتوان جنبه های تطبیقی آنرا قرار ذیل دریافت نمود:

#### ۱- در عرصه زراعتی:

در عرصه زراعتی دهاقین ضرورت به اکثر ماشین آلات زراعتی دارند تا بواسطه استفاده از آن حاصل بیشتر به زحمت کمتر بدست آورند اما مشکل عدم توانائی اقتصادی باعث میگردد که این نوع ماشین آلات را با پول نقد خریداری نموده نمیتوانند، بلکه این استطاعت را دارند که در هر بار جمع آوری محصول خویش در طی چند قسط پول آنرا پرداخت نمایند.

در جهان نوع از بانکها معمول وجود دارد تحت عنوان بانکهای انکشاف زراعتی که افغانستان<sup>۵۷</sup> نیز قبلاً چنین بانک را داشت اما نسبت عدم پالیسی درست و دگرگونی سیستم اداری افغانستان بالآخر جنگ ها داخلی منحل گردید، این نوع

<sup>۵۷</sup> - بانک منحل شده انکشاف زراعتی افغانستان را میتوان با یک پالیسی و ستراتیژی مثر اقتصادی در عرصه بانکداری اسلامی دوباره احیاء و فعال نمود، این بانک بیشترین جایزاد های عقاری در داخل کشور شهرکابل و ولایات در بهترین ساحات مرکزی دارد و همچنان در خارج کشور نیز جایزاد های عقاری دارد، از سوی هم مقدار پول نقد که الی انحلال بانک، مبلغ ۵۰۵ میلیون دالر امریکائی میرسید در (Barclays PLC British Banking) لندن دارد که تا به حال به دولت افغانستان تسلیم داده نشده است، و از مبلغ متذکره فعلاً بیشتر شده که

بانکها در کشورهای که حاصل خیز زراعتی اند مانند افغانستان بیشتر به هدف عنوان خویش انکشاف زراعت را در بیع مراحه و کمک با دهاقین و زارعین انجام داده میتواند، بطور مثال دهقان و زارع به بانک مراجعه نموده و سفارش میدهد تا تراکتور و یا سایر ماشین آلات زراعتی را با اوصاف معین برایش خریداری نموده و بعد از انعقاد قرارداد و معین نمودن قیمت تمام شد اولی ماشین آلات ذکر شده و تعیین ربح و فایده، با بانک اسلامی این عقد منعقد میگردد و همچنان میعاد قسط و تادیه آن نیز در قرارداد معین میگردد.

عقد فوق میتوان دهاقین را از اخذ قرضه های ربوی که در بانک ها متعارف مروج است نجات داده و به یک عقد مشروع غیر ربوی و شرعی سوق دهد که در این نوع معاملات بانک اسلامی ربح و فایده مشروع بدست میآورد و همچنان حاجت دهاقین نیز منحصیث مشتری مرفوع میگردد و از دادن تکتانه های غیر مشروع ربوی که در حقیقت ظلم است با طریقه مشروع بیع مراحه صاحب ماشین آلات زراعتی میگرددند.

و یاهم میتوان در عرصه سیستم های وسائل آبرسانی به زمین های زراعتی نیز از بانک های اسلامی در بیع مراحه سفارش به خرید استفاده نموده که به این وسیله دهاقین میتوانند توسط وسائل مدرن آب رسانی کشت و زراعت خویش را رشد و انکشاف دهند.

## ۲- در عرصه صنعتی:

در عرصه صنعتی بیع مراحه سفارش به خرید نیز جنبه تطبیقی اقتصادی رفاهی دارد به این توضیح که صنعت کاران دستگاه های کوچک و فابریکات بزرگ ضرورت برای اجناس، مواد خام و ماشین آلات از بازار های ملی و بین المللی دارند، نسبت عدم اعتبار در بازار و یا نبود سرمایه کافی برای تکمیل نیازمندیهای خویش ضرورت دارند تا به بانک های اسلامی مراجعه نموده و با آنها عقد مراحه سفارش به خرید را تحت شروط اسلامی منعقد نمایند، بانک اسلامی میتواند فرمایشان آنها را گرفته اجناس، امتعه، مواد خام و ماشین آلات را برای مشتریان خریداری نموده و سپس بعد از قبض و تحت حیازت آوردن آن اجناس و قیمت تمام شد با افزود ربح معین بالای مشتری به پول نقد و یا به قسط واحد و یا اقساط متعدد بفروش برساند.

---

پول متذکره ۳۰ سال قبل از جانب بانک انکشاف زراعتی افغانستان به بانک متذکره بطور پس انداز با مفاد و یکمقدار مبلغ آن بطور امانت گذاشته شده بود.

بانک انکشاف زراعتی را میتوان به بسیار آسانی دوباره احیاء نمود، جایداد های عقاری که فعلاً نزد ریاست عمومی املاک وزارت مالیه است و همچنان تعمیر ۱۴ منزله آن واقع سینمای پامیر که ارزش میلیونها دالر دارد و پول که در بانک متذکره لندن وجود دارد خود سرمایه ابتدائی و دورانی بانک را میتواند تشکیل داد، که ضرورت به اعطای پول ابتدائی و دورانی از جانب حکومت داده شود متصور نیست، بانک از سرمایه عقاری و پول که دارد به فعالیت آغاز نموده میتواند.

در احیای مجدد این بانک میتوان تمام پالیسی های بانکداری اسلامی را از قبیل مراحه، احیای زمین بکر و بانر دولتی از طریق مشارکه به عقد تعهدات مرافق عامه ( مشارکت عامه و خصوصی) عقد اجاره و عقد اجاره بالتملیک عقاریات را بطور مشروع و ترویج فرهنگ بانکداری اسلامی انجام داد.

در این نوع معامله بانک اسلامی مفاد ربح معین توافق شده را بدست میاورد و همچنان مشتری نیز اقتصاد خویش را توسط صنعت ماشین آلات، مواد خام توسعه و انکشاف میدهد، که به این وسیله هردو طرف معامله دارای نفع مشروع و شرعی میگردند.

مثلاً فابریکه تولید آب میوه طبیعی ضرورت به ماشین آلات پروسس میوه ها به جوس دارد و این ماشین آلات در داخل کشور دریافت نمی گردد فابریکه با بانک اسلامی عقد مرابحه سفارش به خرید را منعقد نموده و از بانک میخواهد تا به نوعیت و اوصاف معین ماشین آلات را برای آنها از فلان فابریکه به مادل .... خریداری نموده و بعد با قیمت تمام شد و ربح معین توافق شده به طور نقد، سه قسط و یا یک قسط آن ماشین آلات را از بانک اسلامی خریداری مینماید، در اینصورت بانک این اقدام را مینماید و ماشین آلات را خریداری و به کشور وارد و تحت تصرف خویش قرار میدهد، بعد به افزود قیمت خرید، محصول و مالیه تمام شد با ربح معین بالای مشتری آنرا بفروش میرساند.

### ۳- در عرصه تجارت:

در عرصه تجارت میتوان هردو نوع مرابحه بسیط " ساده " و مرکب " مرابحه سفارش به خرید " را مثال داد به این توضیح که:

#### (أ) مرابحه بسیط " ساده ":

در این نوع مرابحه بانک میتواند اجناس را از قبل خریداری نموده بطور مثال تراکتورهای را بغرض فروش بالای دهاقین وارد نموده و آنها را به فروش قرار داده قیمت های تمام شد آنها را با ربح معین افزودی اعلان نموده بطور نقد و یا اقساط بفروش برساند.

#### (ب) مرابحه مرکب " مرابحه سفارش به خرید ":

در این نوع مرابحه در عرصه تجارت میتوان مثال تسعیر اسعار را داد زیرا صرافی از جمله معاملات تجاری محسوب میگردد، بطور مثال شخص به پول اسعار خارجی واحد پولی یک کشور ضرورت دارد که آن نوع واحد پولی در بازار صرافی و بانک های افغانستان دریافت نمی گردد، مشتری به بانک اسلامی مراجعه نموده و خواستار خریدار آن نوع واحد پول اسعار خارجی به عقد مرابحه به سفارش میگردد، بانک آن نوع واحد پولی را خریداری نموده، پس از تسلیمی و تحت حیات قرار دادن با ربح معین بالای مشتری بفروش میرساند.

### ۴- در عرصه داد و ستد عادی:

در عرصه داد و ستد عادی عقود مدنی با بیشترین معاملات در جوامع وجود دارد که توسط بیع مرابحه سفارش به خرید با بانک اسلامی منعقد گردد از آن جمله میتوان مثال خرید خانه ها مسکونی را داد، خانه های مسکونی یکی از حاجات اولیه انسانها در جوامع بخاطر سرپناه و زندگی میباشد، اشخاص که عاید کمی دارند و به یک بارگی از عواید خویش نمیتوانند خانه و منزل خریداری نمایند به دو نوع بیوع مراجعه مینمایند و آن یکی قرضه های ربوی است که از بانک های متعارف میگیرند و بعد به بایع پولش را تادیه مینمایند و خانه را مالک میشوند، لیکن از بانک مقروض میباشند و ماهانه به بانک همراه با تکتانه آن قرض را تادیه مینمایند که در حقیقت عقد ربوی را با بانک منعقد نموده اند که این نوع قرضه در شریعت اسلامی ربا و حرام میباشد.



نوع دوم آن مشروع و شریعت اسلامی آنرا مجاز دانسته که همان هدف اولی " خریداری خانه و منزل" در آن متحقق میگردد بدون حرام و ربوی بودن معامله که این نوع عقد را بیع مرابحه سفارش به خرید میگویند.

در این نوع معامله مثلاً مشتری برای بانک سفارش میدهد که یک خانه را دارای سه اتاق، دو تشناب، یک دهلیز، پخته کاری، بطور اپارتمان / و یا سطح زمین در فلان منطقه ضرورت دارد، بانک برای مشتری با اوصاف که ذکر نموده خانه را خریداری نموده بعد از افزودن مالیه و سائر مصارف تمام شد، با افزودن قیمت ربح و مفاد معین بعد از تصرف و حیازت خانه از جانب بانک، خانه خریداری شده را بالای مشتری بطور اقساط معین زمانی بفروش میرساند، مشتری در هر ماه به اندازه اقساط تعیین شده مبلغ معین را تحویل بانک مینماید که در ختم سپردن تمام اقساط بانک ربح و فایده خویش را کسب مینماید و مشتری مالک خانه میگردد به این صورت هردو طرف در یک معامله مشروع و شرعی به هدف خویش میرسند بانک ربح را بدست میآورد و صاحب حاجت که مشتری است خانه را مالک میشود.

و یاهم در بیع مرابحه بسیط و ساده بانک از قبل خانه ها را از اشخاص خریداری نموده و بعد قیمت تمام شد با ربح معین غرض فروش به بیع مرابحه به اقساط اعلان مینماید، اشخاص و افراد مراجعه نموده بعد از انعقاد قرارداد بیع را منعقد مینمایند، و خانه را مشتری تسلیم میشود.

### مبحث ششم قرارداد عقد مرابحه

با در نظر داشت اجزای قرارداد که در مبحث عقد مضاربه اشاره شد در قرارداد عقد مرابحه نیز همان اجزای طبق قواعد حقوقی مد نظر گرفته میشود، صرفاً در خصوصیات هر عقد تفاوت وجود دارد از اینرو عقد مضاربت دارای یکنوع از خصوصیات میباشد و عقد مرابحه دارای دیگر نوع از خصوصیات میباشد که با در نظر داشت خصوصیات عقد مرابحه نمونه از قرارداد ذیل تحریر میگردد:

**قرار داد مرابحه مرکب  
(سفارش به خرید)**

**مبنای قرار داد:**

**ماده اول:**

این قرار داد براساس احکام فقه اسلامی و فصل هفتم قانون بانکداری افغانستان منتشره جریده رسی شماره (۱۱۹۷) سال ۱۳۹۴ هـ ش قرار ذیل منعقد میگردد:

**اهداف قرارداد:**

**ماده دوم:**

این قرارداد بمنظور تعهد طرفین مبنی بر عقد مرابحه سفارش به خرید طبق احکام شریعت اسلامی و قوانین نافذه افغانستان منعقد میگردد.

**سبب قرارداد:**

**ماده سوم:**

مقصد اصلی این قرارداد عقد مرابحه سفارش به خرید، طبق احکام شریعت اسلامی میباشد، سبب عقد اجرای وجایب و تعهدات طرفین طبق شروط این قرارداد میباشد.

**طرفین قرارداد:**

**پارم:**

بیع مرابحه سفارش به خرید، فی ما بین ..... ولد ..... ولدیت ..... دارای نمبر تذکره ..... ساکن اصلی ..... ساکن فعلی ..... در حالیکه دارای اهلیت و تصرفات شرعی و قانون خویش بوده منحیت آمر ( مشتری فرمایش دهنده) با بانک ..... دفتر مرکزی واقع ..... دفتر ساحوی واقع ..... دارای جواز شماره ..... از بانک مرکزی (دافغانستان بانک) منحیت مأمور (فرمایش گیرنده) تحت شرایط ذیل انعقاد میگردد:

**اختصار:**

**ماده پنجم:**

- (۱) معامله بین طرفین در این قرار داد بیع مرابحه سفارش به خرید بوده، من بعد در این قرار داد بنام مرابحه یاد میگردد.
- (۲) مشتری ..... من بعد در این قرارداد بنام آمر یاد میگردد.
- (۲) بانک ..... من بعد در این قرارداد بنام مأمور یاد میگردد.

**قیمت تمام شد بیع اولی و ربح آن:**

**ماده ششم:**

- (۱) قیمت بیع اولی مبلغ ..... میباشد / مالیه به مبلغ ..... میباشد / محصول به مبلغ ..... میباشد که مجموع قیمت تمام شد مبیعه مبلغ ..... میشود.
- (۲) مأمور مبیعه را بعد از تحت حیات آوردن خویش به مبلغ تمام شد فقره (۱) این ماده با افزودن ربح مبلغ ..... بالای آمر بفروش میروساند.

## موضوع و اوصاف مباحه:

### ماده هفتم:

مأمور متعهد میگردد تا یکعقد تراکتور از کمپنی ..... روسی، مدل ..... جدید را برای آمر خریداری نموده و بعد از تحت حیات قرار دادن آن براساس توافق این قرارداد به آمر تسلیم مینماید.

## مدت قرارداد:

### ماده هشتم:

این قرارداد از تاریخ ..... الی ..... قابل اعتبار بوده، آمر و مأمور مکلف به رعایت شروط این قرارداد در موعد متذکره میباشند.

## تضمین:

### ماده نهم:

آمر مکلف است غرض تطبیق این قرارداد تضمین معتبر که حاوی ..... میباشد به بانک جنساً / نقداً تسلیم نماید.

## مدت اقساط و تادیه ثمن مبیعه:

### ماده دهم:

(۱) ثمن تمام شد مبیعه که طبق فقره (۱) ماده ششم این قرارداد تعیین شده به اقساط بطور مساوی مبلغ ..... در هر ماه / ربع سال / سال تحویل حساب بانک میگردد.

(۲) آمر مکلف است تا مبلغ قسط فقره (۱) این ماده را در مدت تعیین شده تسلیم نماید، در صورت تخلف و عدم تادیه دین مأمور میتواند بیع را فسخ و یا به سایر تدابیر بعد از تجویز محکمه ذیصلاح اقدام نماید.

(۳) در صورت فسخ مورد فقره (۲) این ماده، آمر جنس را مسترد مینماید، در صورتیکه جنس هلاک شده باشد ضامن آنرا براساس قیمت تعیین شده از تضمین که نزد بانک موجود است بعد از تجویز محکمه ذیصلاح اخذ مینماید، و در صورتیکه جنس استهلاک شده باشد، جنس را مسترد و به اندازه استهلاک بعد از تجویز محکمه ذیصلاح از تضمین که نزد بانک موجود است مبلغ را وضع مینماید.

## حقوق آمر:

### ماده یازدهم:

آمر بنابر تعهدات این قرارداد دارای حقوق ذیل میباشد:

(۱) آمر حق دارد تا جنس را مطابق فرمایش و اوصاف مندرج ماده هفتم و مدت مندرج ماده هشتم این قرارداد تسلیم شود.

(۲) آمر حق دارد تا مبیعه را در صورت عدم تحقق اوصاف ماده هفتم این قرارداد به مأمور رد نماید.

(۳) آمر حق دارد تا مبیعه را در صورت عیب مخفی به مأمور رد نماید.

(۴) آمر حق دارد تا در صورت عدم تحقق وجایب مأمور در قبال این بیع قرارداد را فسخ نماید.

(۵) آمر حق دارد تا در صورت عدم تحقق وجایب از جانب مأمور از مراجع ذیصلاح تقاضای فسخ قرارداد و جبران خساره را نماید.

(۶).....

## وجایب امر:

### ماده دوازدهم:

امر بنابر تعهدات این قرارداد دارای وجایب ذیل میباشد:

- (۱) امر مکلف است تا قیمت مبیعه را طبق اقساط فقره (۱) ماده دهم این قرارداد بدون تأخیر به حساب مأمور تحویل نماید.
- (۲) امر مکلف است تا جنس را از جانب مأمور که براساس فرمایش برای او خریداری نموده است از نزدش تسلیم نماید و ذمه مأمور را فارغ نماید.
- (۳) ....

## حقوق مأمور:

### ماده سیزدهم:

مأمور، بنابر تعهدات این قرارداد دارای حقوق ذیل میباشد:

- (۱) مأمور حق دارد تا اصل قیمت تمام شد و ربح توافق شده مندرج فقره (۱) ماده ششم را طبق فقره (۱) ماده دهم این قرارداد تسلیم شود.
- (۲) مأمور حق دارد تا از امر در برابر تعهد اش در برابر این قرارداد تضمین معتبر اخذ نماید.
- (۳) مأمور حق دارد در صورت عدم تحقق تعهدات مندرج این قرارداد از جانب مأمور قرارداد را فسخ نماید.
- (۴) در صورت فسخ قرارداد مأمور میتواند مبیعه را در صورتی که موجود باشد دوباره مسترد نماید و در صورتی که هلاک و یا استهلاک شده باشد طبق فقره (۳) ماده دهم این قرارداد خواستار جبران خساره گردد.
- (۴) .....

## وجایب مأمور:

### ماده چهاردهم:

مأمور، بنابر تعهدات این عقد قرارداد دارای وجایب ذیل میباشد:

- (۱) مأمور مکلف است تا جنس ماده هفتم این قرارداد را خریداری و بعد از حیات خویش به امر بطور سالم بدون عیب تسلیم نماید.
- (۲) مأمور مکلف است تا جنس مندرج ماده هفتم را در خلال مدت میعاد ماده هشتم بعد از حیات خویش به مشتری تسلیم نماید.
- (۳) مأمور از تلف شدن مبیعه قبل از تسلیمی مسؤول میباشد.
- (۴) مأمور مکلف است تا عقد اولی را از جمله عقود صحیح شرعی عاری از فساد و بطلان منعقد نماید.
- (۶) .....

## حالات غیر مترقبه (Force Major):

### ماده پانزدهم:

- (۱) در حالات غیر مترقبه (force Major) قصور مأمور در عدم تحقق تعهدات مندرج این قرارداد محسوب نگردیده عقد قابل فسخ دانسته نمیشود.

## مصارف :

### شانزدهم:

مصارف که بالای مبیعه بعد از بیع اول صورت میگیرد طبق اسناد، به حساب تمام شده مبیعه محسوب میگردد.

## حالت فسخ قرار داد:

### ماده هفدهم:

این قرارداد طبق احوال ذیل فسخ میگردد:

- (۱) برضایت هردو طرف.
- (۲) در صورت عدم تطبیق تعهدات هردو طرف.
- (۴) در صورت هلاک شدن مبیعه قبل از تسلیعی به امر.

## تعدیل قرار داد:

### ماده هژدهم:

- (۱) در صورت توافق هردو طرف در متن این قرارداد تعدیل صورت گرفته میتواند.
- (۲) تعدیل قرارداد به هیچ صورت از هدف و سبب مندرج مواد دوم و سوم این قرارداد و احکام شریعت اسلامی بوده نمیتواند.

## نظارت از قرارداد:

### ماده نهم:

نظارت از تطبیق این قرارداد توسط بورد شرعی و هیئت نظار بانک صورت میگردد.

## رعایت احکام شریعت اسلامی و اسناد تقنینی:

### ماده بیستم:

بطور کلی آمر و مأمور مکلف اند در بیع مندرج این قرارداد احکام شریعت اسلامی (فقه حنفی) و اسناد تقنینی اعم از قوانین، مقررات، اسناد اداری لوائح، طرزالعمل های که از جانب بانک مرکزی (د افغانستان بانک) منظور شده باشد و همچنان متحد المال های بانک مرکزی و تصامیم بورد شرعی بانک را رعایت و تطبیق نمایند.

## جبران خساره:

### ماده بیست و یکم:

در صورت قصور هرکدام از طرفین در عدم تحقق مفاد این قرارداد اگر به طرف مقابل خساره عاید گردد، خساره قابل جبران میباشد، طرف متضرر میتواند تقاضای جبران خساره را از مراجع ذیصلاح نماید

## حل و فصل اختلافات احتمالی:

### ماده بیست و دوم:

- (۱) در صورت بروز هرگونه اختلاف درقبال مندرجات این قرارداد درحال و آینده بین طرفین درقدم نخست به متن این قرارداد ارجحیت داده میشود.
- (۲) احکام این قرار داد بر اساس صراحت آن قابل اطلاق است.
- (۳) در صورت اغماض متن قرارداد طرفین تلاش می نمایند تا اختلافات خویش را از طریق بحث و گفتگو فی مابین خویش حل و فصل نمایند.

(۴) هرگاه موضوع از طریق بحث و گفتگو بین طرفین حل و فصل نگردد، موضوع اختلاف توسط حکمیت تجارتي اتاق تجارت افغانستان و یا محکمه ذیصلاح محل قرارداد حل و فصل میگردد.

### لسان قرارداد:

#### ماده بیست و سوم:

- (۱) اصل لسان قرارداد به لسان پشتو/ دری / انگلیسی میباشد.
- (۲) در صورت ضرورت نقل آن به لسان انگلیسی/ پشتو / دری نیز بوده میتواند.
- (۳) ترجمه قرارداد از اصل لسان به لسان دومی در هیچ صورت مغایر بوده نمیتواند در صورت مغایرت به اصل لسان قرارداد مراجعه و اعتبار داده میشود.

### تنفیذ قرار داد:

#### ماده بیست و چهارم:

- (۱) این قرارداد طی بیست و چهار ماده ترتیب گردیده و بعد از امضای هردو طرف (آمر و مأمور) نافذ میگردد.
- (۲) این قرارداد در ضمن دو نقل ترتیب یک نقل آن نزد مأمور حفظ و نقل دیگر آن به آمر تسلیم میگردد.

محل امضای آمر (مشتری)..... محل امضای مأمور (بانک).....

**نوت:** این یک نمونه از متن و شکل قرارداد مرابحه مرکب (سفارش به خرید) است طرفین میتوانند نسبت خصوصیات که توافق دارند در متن مواد قرارداد تغییر، ایزاد و تعدیل بوجود آورند، مشروط بر اینکه از اصول و قواعد ذکر شده شرعی عدول صورت نگیرد و ماهیت بیع مرابحه سفارش به خرید را تغییر ندهد.

گرفته شده از کتاب ( تنویر الافکار در بانکداری اسلامی)  
مؤلف: دکتور محمد ظریف علم " ستانکزی "